



سر مقاله دانش آموزان فرزانه و مسئولان دیوانه

مریم میرزاخانی، دانشمند ریاضی ایران و جهان که ۲۳ تیر ۹۶ بر اثر ابتلا به بیماری سرطان در آمریکا درگذشت، نزدیک بود درست بیست سال پیش از آن، در سن بیست سالگی و پیش از آنکه بتواند نام خود را به عنوان یک بانوی دانشمند به ثبت برساند در تصادفی مشابه آنچه صبح امروز، ۱۰ شهریور، روی داد، کشته شود. در اسفند ۷۶ اتوبوسی که دانشجویان ریاضی را پس از شرکت در یک مسابقه از اهواز به تهران بر می‌گرداند، به دره سقوط کرد و شش دانشجوی نخبه و برگزیده‌ی المپیادهای ریاضی ملی و بین‌المللی جان خود را از دست دادند. مریم اما زنده ماند. در سال‌های گذشته در این گونه حوادث، دانش‌آموزان زیادی جان باختند از جمله آنهایی که برای تبلیغات ایدئولوژیک و مذهبی از سوی مدارس به عنوان «راهبان نور» به بازدید اجباری جبهه‌ها برده می‌شوند به طوری که این اعزام‌ها به «راهبان گور» معروف شده است.

این بار دخترکان دانش‌آموز از استان هرمزگان راهی «اردوی فرزندانگن» بودند که اتوبوس حامل آنها در نخستین ساعات بامداد روز جمعه در مسیر شهرستان داراب واژگون شده و تا کنون بیش از ۴۴ کشته و زخمی بر جای گذاشته است. پس از این حادثه‌ی خونین و غم‌انگیز، دو اتوبوس دیگر دانش‌آموزان را به هرمزگان بر می‌گرداند. به گزارش خبرگزاری‌های ایران، راننده‌ی اتوبوس بازداشت شده و ۴ تن از مجروحان قطع عضو و نخاع شده‌اند. حال چند تن از زخمی‌ها وخیم اعلام شده به طوری که شمار کشته‌شدگان که تا کنون ۹ و به روایتی ۱۲ تن اعلام شده ممکن است افزایش یابد.

گذشته از آنکه تصادفات جاده‌ای یکی از مهم‌ترین دلایل مرگ و میر در ایران به شمار می‌رود، تکرار تصادفات در سفرهای دانش‌آموزی و دانشجویی که تا کنون به ده‌ها نقص عضو و مرگ منجر شده، می‌بایست زنگ خطر را برای مسئولان به صدا در آورده باشد. اما نه! باز هم دانش‌آموزان را برای بازدید از جبهه‌ها راهی گور کردند؛ باز هم با زندگی دخترکان و پسرکان برای شرکت در این مسابقه و آن اردو بدون تأمین و مراقبت‌های لازم بازی کرده و خانواده‌های آنان را سوگوار کرده‌اند و آنهایی هم که جان به در برده‌اند می‌بایست تا آخر عمر با نقص عضو و یا ضربات روحی این حادثه کنار بیایند.

دلیل چنین تصادفاتی هر چه باشد، راننده‌ی خواب‌آلود یا مست و معتاد، حیوانی که جلوی ماشین پریده، نقص فنی اتوبوس، جاده‌ی نامناسب و خطرناک و... یک چیز مسلم است: پاسخگوی اصلی در یک چرخه‌ی به هم پیوسته که همه این دلایل را به هم ربط می‌دهد، مقامات و مسئولانی هستند که در بی‌لیاقتی و بی‌کفایتی تمام‌عیار، چنین حوادثی را از «تصادف» به رویدادی رایج و بدیهی تبدیل کرده‌اند به طوری که دیگر «تصادف» نیست بلکه یک احتمال بسیار ممکن است!

آغاز تیرباران از زمستان ۵۷ تا اوج اعدام در تابستان ۶۷



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

انقلاب اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی هم هنوز پیروز نشده بود، چون این پیروزی در تاریخ روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به ثبت رسید؛ تنها چند روز پس از اینکه مهدی بازرگان در آمفی تئاتر مدرسه علوی حکم تشکیل دولت موقت را در روز ۱۶ بهمن از روح‌الله خمینی دریافت کرد، اعدام‌ها و تیرباران‌ها آغاز شد.

سرویس سیاسی کیهان:
 جمهوری اسلامی هنوز اعلام موجودیت نکرده بود، چون همه‌پرسی در این رابطه تازه در ۱۲ فروردین ۵۸ برگزار شد؛

● در چهار ماه اول انقلاب، بر مبنای آماری که در آن زمان سازمان عفو بین‌الملل منتشر ساخت، بیش از ۴ هزار نفر، یعنی روزی بیش از سه نفر، در مقابل جوخه‌های اعدام قرار گرفتند
 ● بسیاری از کسانی که اعدام هر چه بیشتر و قاطعانه‌تر «ضدانقلاب» را تشویق می‌کردند، در سال‌های بعد خود نیز در چنگ رژیم انقلابی و اسلامی گرفتار آمده و اعدام شدند
 ● بازماندگان اعدام شدگان و مدافعان حقوق بشر و دمکراسی ایستاده‌اند تا این جنایات هرگز به فراموشی سپرده نشوند

مراسم کمتر پلیسی: سهم ابراهیم یزدی از انقلاب اسلامی



شامگاه یکشنبه ششم شهریور ۱۳۹۶، ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی و وزیر خارجه‌ی دولت مهدی بازرگان در سن ۸۶ سالگی در ازبکستان درگذشت. یزدی حدود دو سال پیش قصد داشت برای معالجه بیماری سرطان پانکراس به آمریکا سفر کند که دولت آن کشور که هنوز باراک اوباما ریاست آن را بر عهده داشت، با صدور ویزا برای او موافقت نکرد و در نهایت مجبور شد عمل جراحی خود را در ترکیه انجام دهد. ابراهیم یزدی با تاسیس «نهضت آزادی ایران» در سال ۱۳۴۰ به همراه مصطفی چمران و علی شریعتی و رفیق نزدیکش صادق قطب‌زاده، فعالیت شاخه‌های اروپایی و آمریکایی آن را آغاز کردند. وی چند سال بعد به عنوان رییس شورای مرکزی نهضت آزادی شاخه‌ی خارج از کشور انتخاب شد.

بازی بُرد-بُرد روحانی و لاریجانی، کابینه‌ی بدون اصلاح‌طلبان

در صفحه ۱۶

در این شماره می‌خوانید:

- صفحات ۳ و ۸ ● «زن روز» و «مرد روز»
- صفحه ۱۲ ● دوقرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۲۴) - احمد احرار
- سخنی دیگر با هوادار رژیم - داریوش همایون
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● نگاهی به کتاب دکتر اوئن وزیر خارجه سابق بریتانیا: سرطان شاه، عامل پیروزی انقلاب اسلامی؟
- صفحه ۱۵ ● محسن حججی، نورچشمی که جسدش مخفیانه با داعش مبادله شد
- صفحه ۳ ● روسیه اطمینان داده ایران قصدی برای حمله به خاک اسرائیل ندارد
- صفحه ۴ ● شاهزاده رضا پهلوی از ریاست «شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد» کنار می‌رود
- صفحه ۵ ● ترانه‌هایی از دور دست - ابقرراط
- تک مضراب - آوازه
- صفحه ۶ ● گفتگوی یوسف مصدقی با دکتر رامین جهانگللو: (۴)
- صفحه ۷ ● تجاوز و اعدام کودکان در دهه تاریک شصت

ایران صفر - کره جنوبی صفر؛ دروازه ایران به روی کره بسته باقی ماند

مسابقات تنیس آزاد آمریکا:
فدرر و شاراپوا به دور سوم رسیدند
 بازی حاج صفی و شجاعی مقابل کره؛
کیروش سکوت کرد، مایلی کهن همه چیز را گفت
کیروش:
شجاعی در جام جهانی بازی خواهد کرد
فائزه رفسنجانی،
من یک سوژه امنیتی هستم
هر نیم ساعت یک نفر در حوادث رانندگی در ایران کشته می‌شود
 در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

مراسم کمتر پلیسی: سهم ابراهیم یزدی از انقلاب اسلامی

- همسر تیمسار رحیمی: از مرگ ابراهیم یزدی خوشحالم
- یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب به کیهان لندن می‌گوید، اعتراضات سال ۸۸ به خیلی‌ها فرصت تابوشکنی و تغییر مواضع داد
- رویدادهای ۸۸ به برخی فرصت داد تا خود را در چشم نسل جوان در شمایل دموکراسی خواه اما دلبسته‌ی جمهوری اسلامی معرفی کنند که هم مقبول جامعه شوند و هم در حاشیه‌ی امن رژیم باقی بمانند

از صفحه ۱

با خروج روح‌الله خمینی از عراق پس از امتناع کویت از پذیرش او و همراهانش، یزدی نقش زیادی در انتقال وی به فرانسه داشت و با کمک قطب‌زاده خانهای ویلایی در نوفل لوشاتو تدارک دیدند و فرانسه مقرر انقلابیون اسلام‌گرا شد. یزدی آنقدر در آن سال‌ها مورد اعتماد خمینی و پسرش قرار گرفت که به حلقه‌ی نزدیکان وی درآمد و هم‌زمان خیلی‌ها نیز به اعتبار او خمینی را شناختند. زبان انگلیسی یزدی از بقیه بهتر بود و در فرانسه گوش و چشم و زبان خمینی شد و گفتگو با اغلب سیاستمداران، واسطه‌ها، لابی‌ها و خبرنگاران و رسانه‌های خارجی از طریق او انجام می‌گرفت.

یزدی روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در میان آنهاپی بود که با هواپیمای فرانسوی، از پاریس در فرودگاه مهرآباد فرود آورده شدند. او به دستور روح‌الله خمینی به عضویت شورای انقلاب اسلامی درآمد و با آغاز کار دولت موقت به عنوان معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب منصوب شد. مدتی بعد به سرپرستی مؤسسه کیهان نیز منصوب شد. یزدی هر جا که می‌رفت دامادش، شهیار روحانی، را هم با خود می‌برد. چند ماه بعد، پس از استعفای کریم سنجایی از وزارت امور خارجه به عنوان جانشین او در دولت موقت شروع به کار کرد. از دلایل اصلی استعفای سنجایی، دخالت‌های دکتر شهیار روحانی (داماد ابراهیم یزدی) در امور وزارت خارجه بود.

گروهی یزدی را مردی صبور، مینهن پرست و آزادی‌خواه می‌دانند، گروهی او را «دل‌سوز نظام» می‌خوانند و در مقابل، طیف وسیعی از منتقدین اش او را خائن می‌شمارند. هر کدام از اینان دلایل و مستندات خود را دارند. در این میان، علی‌خانهای از ابتدای انقلاب و حتی پیش از آن از نهضت آزادی دل خوشی نداشت، و تا زمانی که اعضای نهضت آزادی اطراف خمینی بودند، او جایی برای عرض اندام نیافت. **ابراهیم یزدی در همه کار دخالت می‌کرد** صادق خلخالی در کتاب خاطراتش می‌نویسد، «از جمله کسانی که در همه کارها دخالت می‌کرد و بازپرس شده بود، ابراهیم یزدی بود که در دولت موقت اول معاون نخست وزیر و سپس وزیر امور خارجه شد... ابراهیم یزدی در طبقه سوم مدرسه رفاه که من هم آنجا بودم، نصیری و رحیمی را به محاکمه کشید. آنها با وجود اینکه می‌دانستند که من از طرف امام به عنوان قاضی و حاکم شرع معرفی شده‌ام به این امر توجه نمی‌کردند، خودشان می‌پریدند و می‌دوختند و در باغ سبز نشان می‌دادند.

شرع، دادستان انقلاب یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است. قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است. امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید. آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است و سوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشداء علی‌الکفار باشند. تردید در مسائل قضائی اسلام انقلابی، نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد. والسلام»

نواری که تابو و دیوار سکوت را شکست سال‌ها در جمهوری اسلامی ایران اشاره به اعدام‌های سیاسی و به ویژه آنچه از ابتدای انقلاب تا آخر تابستان ۶۷ اتفاق افتاد، خط قرمزی بود که عبور از آن هزینه سنگینی داشت؛ البته خانواده‌های قربانیان آن سال‌ها و مدافعان حقوق بشر و دموکراسی هرگز سکوت نکردند و فریاد دادخواهی آنها هرگز قطع نشد. اما سال گذشته، زمانی که احمد منتظری نوار صوتی دیدار پدرش با هیات مرگ (ابراهیم رئیس، مصطفی پورمحمدی، مرتضی اشراقی و حسینیعلی نبوی) را منتشر کرد و در شبکه‌های اجتماعی قرار داد، این تابو و دیوار سنگین سکوت در ظرف چند ساعت فرو ریخت.

محتوای این نوار، در سال‌های قبل در خارج از کشور دست به دست می‌گشت، ولی انتشار آن در داخل کشور بود که نظام را وادار ساخت درباره این اعدام‌ها که تلاش می‌کرد به فراموشی سپرده شود، اعلام موضع کند. استفاذهای حسن روحانی از این نوار در جریان کارزار انتخاباتی اخیر برای بدنام کردن رقیب اصلی‌اش، ابراهیم رئیس، حتی پرچمداران «فراموش» کردن اعدام‌های دهه ۶۰، چون ابراهیم نبوی و اکبر گنجی را نیز وادار به تجدید نظر کرد. آنهاپی که زمان انتصاب مصطفی پورمحمدی به وزارت دادگستری در دولت اول حسن روحانی تلاش داشتند گذشته‌ای او «فراموش» شود، حالا ابراهیم رئیس‌ی را که نقش کمرنگ تری نسبت به پورمحمدی در «کمیته مرگ» داشت «ایت‌الله قتل‌عام» خواندند.

اینک مدتی است که نظام از بالا تا پائین،

خود ادامه می‌دهد. البته این انقلاب هم، چون بسیاری انقلاب‌های دیگر در چند قرن اخیر، فرزندان خود را نیز بلعید. صادق قطب‌زاده که در ۲۴ شهریور ۶۱ اعدام شد، همراه با ابراهیم یزدی، که اخیراً در بیمارستانی در زیرمیر ترکیه در سن ۸۵ سالگی در پیامد ابتلا به بیماری سرطان درگذشت، با ابوالحسن بنی‌صدر، که سال‌هاست به حومه پاریس پناهنده شده، مثلثی را تشکیل می‌دادند که خمینی سوار بر دوش آنان از نوفل لوشاتو به تهران بازگشت. قبل از آغاز سال‌های خونین دهه ۶۰، که طی آن هزاران نفر در مقابل جوخه‌های اعدام قرار گرفتند، ما شاهد اعدام حداقل ۱۷۰۰ کرد در شهرهای غرب کشور هستیم. احکامی که در عرض چند دقیقه توسط حکام شرع و به ویژه شیخ صادق خلخالی در کوچه و خیابان صادر می‌شد و بلافاصله نیز به اجرا درمی‌آمد. اگر «گناه» و «جرم» اعدامی‌های اولین روزهای انقلاب همانا «همکاری» با نظام پادشاهی و رژیم قبلی بود، برخی از کردهایی که در اسفند ۵۷ اعدام شدند، مانند خواهران کعبی، شهبلا و نسربین، «پرستار» بودن بود! این دو خواهر به اتهام کمک به زخمی‌ها در درگیری‌ها اعدام شدند.

در سال ۱۳۶۰ تا اواخر تابستان ۱۳۶۷، به استثنای سال‌های ۶۳ و ۶۴، چندین هزار نفر دیگر نیز در سراسر ایران اعدام شدند. در حالی که بسیاری از آنها در دادگاه‌های غیراستاندارد و بدوی و شرعی، به چند سال زندان بیشتر محکوم نشده بودند، و سرگرم گذراندن دوران محکومیت‌شان بودند. جنگ ۸ ساله با عراق می‌رفت که به شکستی مفتضحانه بیانجامد و خمینی با نوشیدن جام زهر مجبور به پذیرش قطننامه ۵۹۸ و آتش‌بس شد. هم‌زمان وی تصمیم گرفت با ریختن خون زندانیان سیاسی، این ناکامی نظامی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را که شعار «فتح کربلا» و «راه قدس از کربلا می‌گذرد» را می‌داد تسکین دهد.

روح‌الله خمینی با فتوایی، در ابتدای تابستان ۶۷، یکی از خونین‌ترین صفحات تاریخ جمهوری اسلامی را رقم زد. از ۲۸ تیر تا ۵ مهر سال ۶۷، حداقل ۴۴۸۲ نفر اعدام شدند، اگرچه برخی شمار اعدامی‌ها را بیشتر می‌دانند. آیت‌الله حسنعلی منتظری

جمهوری اسلامی هنوز اعلام موجودیت نکرده بود، چون همه‌پرسی در این رابطه تازه در ۱۲ فروردین ۵۸ برگزار شد؛ انقلاب اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی هم هنوز پیروز نشده بود، چون این پیروزی در تاریخ روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به ثبت رسید؛ تنها چند روز پس از اینکه مهدی بازرگان در آمفی تئاتر مدرسه علوی حکم تشکیل دولت موقت را در روز ۱۶ بهمن از روح‌الله خمینی دریافت کرد، اعدام‌ها و تیرباران‌ها آغاز شد.

نخستین گروهی که پس از مضحک‌های به نام «حاکمه» که نه وکیلی و نه قاضی‌ای، یا حداقل کسی که بتوان چنین نامی بر او نهاد در آن حضور داشت، در مقابل جوخه اعدام قرار گرفت، چهار ارتشی بودند: مهدی رحیمی، منوچهر خسروداد، رضا ناجی و نعمت‌الله نصیری. در روزها و هفته‌های بعد، ده‌ها نظامی و شخصیت سیاسی دیگر، از امیرعباس هویدا تا فرخرو پارسا از نادر جهانیانی تا حسن پاکروان، و حتی برخی از کارآفرینان چون حبیب القانین و رحیم‌علی خرم نیز به همین سرنوشت دچار شدند. در همان روزها و هفته‌های اول انقلاب، ۵۸ نظامی، ۱۲ مقام دولتی و کشوری و شماری از کارآفرینان تیرباران شدند. البته در ماه‌ها و سال‌های بعد نیز شماری از نظامیان و غیرنظامیان در مقاطع مختلف و به دلیل خدمت در دولت‌های حکومت پهلوی اعدام شدند؛ از جمله در سال ۵۹ که گروهی از افسران و غیرنظامیان که با شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر شاه در تماس و در صدد خیزشی نظامی بودند در دادگاه‌هایی پشت درهای بسته، به ریاست محمد محمدی ریشه‌پری، به اعدام محکوم شدند و حکم‌شان بلافاصله به اجرا درآمد.

حامیان چپ حکومت اعدام

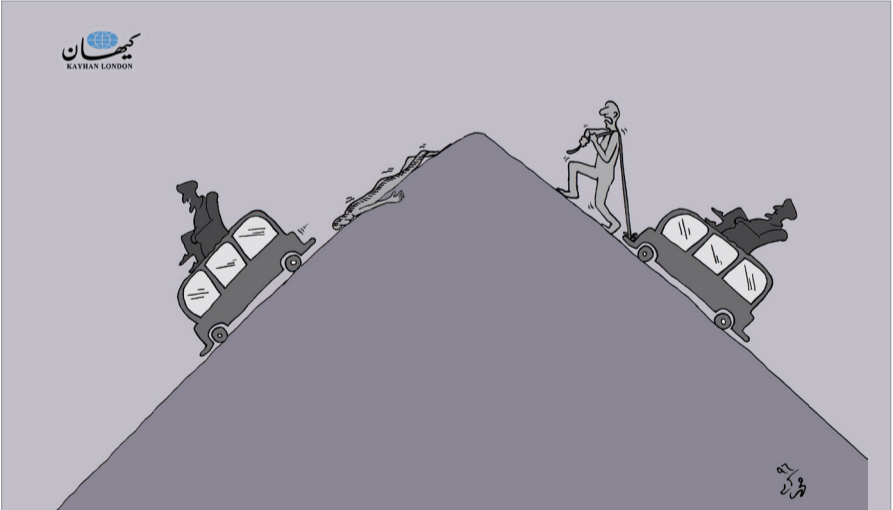
در چهار ماه اول انقلاب، بر مبنای آماری که در آن زمان سازمان عفو بین‌الملل منتشر ساخت، بیش از ۴ هزار نفر، یعنی روزی بیش از سه نفر، در مقابل جوخه‌های اعدام قرار گرفتند. برخی اعدام ۱۰۰۰ نفر در ماه را نیز کافی نمی‌دانستند از جمله بسیاری از کسانی که در سال‌های بعد خود نیز در چنگ رژیم انقلابی و اسلامی گرفتار آمده و اعدام شدند. برخی از گروه‌های چپ چون «حزب توده ایران» یا «سازمان فداییان خلق ایران- اکثریت»، و البته «سازمان مجاهدین خلق ایران»، در ماه‌های اول پس از انقلاب، دولت موقت و کل نظام را متهم می‌کردند که به اندازه کافی «انقلابی» عمل نکرده و در اعدام و نابودی «عناصر ضدانقلاب» با اعتدال رفتار می‌کند. نشریه «کار» ارگان فداییان خلق (اکثریت) که از جمله زیر نظر فرخ نگهدار منتشر می‌شد نه تنها خواهان اعدام عباس امیرانتظام سخنگوی دولت موقت و زندانی سیاسی قدیمی بود، بلکه اعدام دو تن از کارآفرینان یعنی کریم دستمالچی و احمد جواهریان را نیز «مبارک و فرخنده» خواند و خواهان «قاطعیت دادگاه‌ها در محاکمه عناصر ضدانقلاب» شد. البته «عناصر ضدانقلابی» که نشریه «کار» از آن صحبت می‌کرد تنها مقامات حکومت پهلوی را در بر نمی‌گرفت، بلکه شامل دیگر گروه‌های چپ که در دل از نظام بریده و مخالف آن بودند نیز می‌شد. حزب توده که بعدها خود متلاشی شد و گروهی از رهبران و فعالین‌اش یا اعدام شدند یا چند سالی را در زندان گذراندند، قبل از اینکه در آتش غضب اسلام‌گرای انقلابی بسوزد، یکی از نزدیک‌ترین متحدین نهادهای سرکوبگر نظام بود. به گفته افرادی چون محمد محمدی ریشه‌پری یا سعید حجاریان، که در آن سال‌ها مسئولیت امنیتی داشتند، حزب توده در لو رفتن بسیاری از نظامیان از جمله گروه صادق قطب‌زاده که با خمینی و رهبری وی زاویه پیدا کرده بود و خیلی زود اعدام شد، نقشی اساسی ایفا کرده است. افرادی که توسط حزب توده در آن سال‌ها لو رفتند، تقریباً همگی اعدام شدند. سرنوشتی که بسیاری از همین لودهندگان خود در سال‌های بعد به آن دچار آمدند.

جمهوری اعدام

«جمهوری اسلامی» که روح‌الله خمینی در سر داشت، و آشکارا حتی واژه‌ی «جمهوری» نیز به وی تحمیل شد چه برسد به محتوای آن، اینگونه با جوخه‌های تیرباران پایه‌گذاری شد و امروز نیز زیر سایه چوبه‌های دار به حیات



توجیه اعدام‌ها را در دستور کار قرار داده است. اولین شخصی که پس از انتخابات برای توجیه این جنایات قدم به میدان گذاشت، علی‌خانهای بود که در سخنانی بس بی‌شرمانه گفت: «به کسانی که اهل فکر هستند و راجع به دهه ۶۰ قضاوت می‌کنند توصیه می‌کنم جای شهید و جلاذ عوض نشود». بعد از علی‌خانهای نوبت به نوه‌های خمینی رسید؛ علی خمینی، کوچک‌ترین فرزند احمد خمینی در مدرسه فیضیه قم گفت: «عه‌های دل می‌سوزانند چرا اعدام کردید، آنها کسانی بودند که در مقابل حکومت ایستادند». برادر بزرگترش، حسن، برای توجیه در تلویزیون حاضر شد و توصیه‌ی علی‌خانهای مبنی بر عدم تعویض جای جلاذ و شهید را تکرار کرد. از مصطفی پورمحمدی تا علی‌فلاحیان، همه دهان به توجیه گشودند. علی‌رازمی یک قدم جلوتر رفت و اعدام‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را «عدالانه و طبق قانون» خواند. **سینما در خدمت توجیه جنایت و جنایتکاران** در کنار تخریب مزار اعدام‌شدگان و تلاش برای نابودی خاوران‌ها در سراسر ایران، ترفن **ادامه در صفحه ۱۵**



گروه معاند معرفی کردیم و آنها را از آزادی بیان و بسیاری از حقوق اجتماعی محروم کردیم به این بهانه که اینها در بعضی از مسائل نظر دیگری غیر از نظر رسمی نظام جمهوری اسلامی دارند». او در پایان یادداشت خود آورده: «امیدوارم خداوند از جفاهایی که ما به امثال دکتر ابراهیم یزدی کردیم بگذرد و امیدوارم که به نادرستی این راه پی ببریم و تغییر روش بدهیم تا قربانیان جدیدی پیدا نشود». رویدادهای سال ۸۸ برای خیلی‌ها تبدیل به آب غسل تمعید شد و به آنها فرصت داد تا دست کم در چشم نسل جوان که آگاهی و اطلاعات کافی درباره واقعیات انقلاب اسلامی که تحریف شده به خورد آنها داده می‌شود ندارند، چهره‌های مخدوش خود را ترمیم کنند و در شمایل دموکراسی خواه اما دلبسته‌ی جمهوری اسلامی خود را معرفی کنند که هم مقبول جامعه شوند و هم در حاشیه‌ی امن رژیم باقی بمانند. ابراهیم یزدی نیز به همین گروه تعلق داشت. انقلاب اسلامی که همه‌ی آنچه را در روزهای نخست به یزدی بخشیده بود چندی بعد از وی پس گرفت، در سال‌های بعد وی را به شدت منزوی و از «ارت» محروم ساخت به طوری که سهم ابراهیم یزدی از جمهوری اسلامی فقط یک مراسم تدفین کمتر پلیسی شد.

برزو فارسی

ایرانیان آمریکایی «دره سیلیکون» توانمندتر می شوند



تصویر شروین پیشه‌ور روی مجله فوربس

وسایت «مدیوم» در گزارشی اشاره به انتخاب دارا خسروشاهی، به عنوان مدیرعامل جدید شرکت «اوبر» به ایرانیانی پرداخته که در «سیلیکون ولی» در حوزه فناوری فعال‌اند و در علم و سرمایه از چهره‌های بنام دنیای تکنولوژی به شمار می‌روند.

علی طهماسب نویسنده این گزارش نوشته، امروز شاهد یک نقطه‌ی عطف برای جامعه فناوری ایرانی-آمریکایی در سیلیکون ولی هستیم. دارا خسروشاهی که متولد تهران است به عنوان مدیرعامل جدید شرکت اوبر، جانشین تراویس کالانیک بنیانگذار آن شده است.

پژمان نوزاد، میلیاردر ایرانی در سیلیکون ولی گفته «مافیای» ایرانی در فناوری ۷۰ میلیارد دلار بزرگتر می‌شود.

خسروشاهی تنها ایرانی-آمریکایی دره سیلیکون در حوزه فناوری نیست. بسیاری از ایرانیان آمریکایی سهمی در تاسیس، سرمایه‌گذاری و نیز رسیدن به مقام‌های ارشد در سیلیکون ولی داشته‌اند.

تاریخچه چند چهره‌ی مشهور ایرانی در سیلیکون ولی:

- ۱- دارا خسروشاهی، مدیر عامل اوبر، مدیر عامل پیشین اکتسپدیا
- ۲- علی و هادی پرتوی که علی، یکی از موسسان لینک اکسچنج و هادی یکی از موسسان تل‌می‌نت و ورکس است که هر دوی این کمپانی‌ها زیر نظر مایکروسافت هستند. این دو برادر پیش از این از سرمایه‌گذاران فیس بوک، دراپ باکس، اربی‌اند‌بی، اوبر، زاپوس و بسیاری دیگر از کمپانی‌ها بودند. پس از آن هم موسسه Code.org را پایه‌گذاری کردند که دانش کامپیوتر و برنامه‌ریزی را به دانش‌آموزان یاد می‌دهد.
- ۳- امیر خسروشاهی یکی از موسسان نروانا (AI company) که توسط اینتل مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار در آن سرمایه‌گذاری شده است.
- ۴- شروین پیشه‌ور می‌گوید، یکی از دلایلی که جامعه‌ی ما روز به روز قدرتمندتر می‌شود، در فرهنگ ایرانی اهمیت دادن خانواده‌ها به ارزش تحصیلات است.
- ۵- کنته جالب اینجاست که هر چهار نفر از این افراد نسبت فامیلی با هم دارند. در واشنگتن پست مقاله‌ای چاپ شده که در آن از سوابق شروین پیشه‌ور به عنوان یکی از موسسان و مدیر اجرایی Hyperloop One نوشته است.
- ۶- پی‌یر امیدیار موسس eBay
- ۷- پژمان نوزاد یکی از موسسان و مدیر اجرایی Dropbox و LendingClub، Gusto، Guardant Health، Philz، etc، Coffee DoorDash، او داستان زندگی جالبی دارد که حتماً باید از آن یک فیلم در هالیوود ساخت.
- ۸- آرش فردوسی از موسسان و مدیران ارشد بخش تکنولوژی و مدیران ارشد بخش تکنولوژی و مدیران ارشد بخش تکنولوژی و مدیران ارشد بخش تکنولوژی
- ۹- اباب ماینر از موسسان Oracle
- ۱۰- کیوان بیگ‌پور مدیرعامل Persicope از زیر مجموعه‌های تویتر
- ۱۱- بابی یزدانی از موسسان و مدیر اجرایی Cota Capital و Signatures Capital و سرمایه‌گذار در شرکت‌های، Google، Salesforce، etc، Bonobos، Tuber، Dropbox
- ۱۲- سعید عمیدی موسس و مدیرعامل مرکز تکنولوژی Plug and Play
- ۱۳- شان راد موسس Tinder
- ۱۴- لیلی صرافان مدیر عامل Home Care Assistance با بیش از ۶۵۰۰ کارمند و ۲۰۰ میلیون دلار درآمد خالص سالانه
- ۱۵- علی روغنی مدیرعامل YCombinator Continuity و مدیر امور مالی Pixar
- ۱۶- کامران الهیان مدیر و یکی از موسسان Global Catalyst Partners
- ۱۷- محسن معظمی مدیر اجرایی Columbus Nova Technology Partners
- ۱۸- شین تجارتی مدیر Honeywell's High Growth Regions در آسیا، اروپای شرقی، خاورمیانه و آفریقا
- ۱۹- حسین اسلامبولچی مدیرعامل پیشین AT&T Labs
- ۲۰- فرهاد محیط کارآفرین و موسس مدیرعامل، BizRate، Flipagram، BizRate، Shopzilla
- ۲۱- علی وهاب زاده از موسسان و مدیرعامل Chariot تحت قرارداد با شرکت فورد
- ۲۲- دارین شیرازی موسس Radius و بازاریابی مشاغل کوچک که توانست ۸۰ میلیون دلار در venture capital به دست آورد.
- ۲۳- فرزاد ناظم مدیر اجرایی بخش تکنولوژی یاهو که اکنون او و همسرش نوشین هاشمی مدیران Hand Foundation هستند.
- ۲۴- سالار کمانگر از مدیران اجرایی یوتیوب و هفتمین کارفرمای گوگل
- ۲۵- پدram کیانی مدیر مهندسی اوبر
- ۲۶- بیژن ثابت از سرمایه‌گذاران Spark Capital و همکار تویتر
- ۲۷- شاهین فرشی سهامدار شرکت لوکس کاپیتال
- ۲۸- تورج پارنگ مدیر توسعه GoDaddy
- ۲۹- شایان زاده و الکس مهر موسسان Zoosk که مربوط به زوج‌یابی آنلاین است و ۱۸۰ میلیون دلار درآمد خالص سالانه دارد.
- ۳۰- بابک پهلوان و نیما اصغریگی موسسان CleverSense
- ۳۱- نرگس بانسی اسدی موسس Bina Technologies
- ۳۲- کیوان مهاجر موسس و مدیرعامل SoundHound با بیش از ۷۵ میلیون دلار سرمایه
- ۳۳- حسام اسفندیاری موسس و مدیرعامل موسسه Genapsys با ۴۵ میلیون دلار سرمایه
- ۳۴- مصطفی رونقی مدیر بخش تکنولوژی Illumina با ۴۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری
- ۳۵- امیرعلی طللاس از موسسان و مدیران Guardant Health که اخیراً ۵۵۰ میلیون دلار در تحقیقات مربوط به سرطان با استفاده از آزمایش خون را به دست آورده است.
- ۳۶- نیما قمری از مدیران Blend، یک آژانس املاک به تازگی ۱۶۰ میلیون دلار درآمد داشته است.
- لیست ایرانیان حاضر در سیلیکون

روسیه اطمینان داده ایران قصدی برای حمله به خاک اسرائیل ندارد



سرگئی لاوروف و ولادیمیر پوتین

گفته‌اند شواهدی وجود ندارد که نشان دهد کشوری قصد حمله به اسرائیل را داشته باشد.

● لاوروف گفته حضور نظامی ایران در سوریه برخلاف قوانین بین‌المللی نیست.

طبق گفته‌های سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه کانال‌های نیروهای اطلاعاتی ارتش مسکو هیچ اطلاعاتی در دست ندارند که نشان دهد در آینده نزدیک حمله‌ای از جانب رژیم ایران یا هر کشور دیگری متوجه اسرائیل باشد. به گزارش پایگاه خبری المصدر دیپلمات ارشد روسی به روشنی اعلام کرده، مسکو اهمیت این قضیه را برای اسرائیل کاملاً درک می‌کند.

این اظهارات پس از جلسه‌ی روز گذشته لاوروف با امیر قطر مطرح شد، پس از آنکه تعدادی از رسانه‌ها عنوان کردند که رژیم ایران قصد ساختن کارخانه‌های موشکی در سوریه و لبنان برای هدف قرار دادن خاک اسرائیل دارد. لاوروف تأکید کرده هیچ اطلاعاتی نداریم که نشان دهد ایران حمله‌ای علیه اسرائیل در دست انجام دارد. او تأکید کرده که اگر ایران و سوریه در زمینه‌های مشترکی از جمله اقتصاد، حوزه‌های نظامی و دیگر حوزه‌ها با یکدیگر همکاری کنند بدون تخلف از قوانین بین‌المللی هیچ دولتی حق ندارد آنها را در مورد این همکاری‌ها زیر سوال ببرد.

پیش از این بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل با اطمینان اعلام کرده بود، حضور ایران در سوریه اگر بیشتر از این شود حتی ریاست جمهوری اسد را هم تهدید می‌کند.

اسرائیل بارها تأکید کرده علیه نیروها و تجهیزات نظامی حزب‌الله در خاک سوریه حمله هوایی انجام داده است. المصدر مدعی شده، اسرائیل به طور مشخص و سازماندهی شده از تروریست‌هایی حمایت می‌کند که در برابر ارتش سوریه در بلندی‌های جولان می‌جنگند. مانند جبهه التحریرالشام شاخه‌ای از القاعده که قبل از این «جبهه‌النصره» نامیده می‌شد که شامل گروه‌های جهادی مسلح، نیروهای اطلاعاتی، پزشکی و گاهی پشتیبانی هوایی می‌شود.

● منابع اطلاعاتی روسیه گفته‌اند شواهدی وجود ندارد که نشان دهد کشوری قصد حمله به اسرائیل را داشته باشد.

● لاوروف گفته حضور نظامی ایران در سوریه برخلاف قوانین بین‌المللی نیست.

این اظهارات پس از جلسه‌ی روز گذشته لاوروف با امیر قطر مطرح شد، پس از آنکه تعدادی از رسانه‌ها عنوان کردند که رژیم ایران قصد ساختن کارخانه‌های موشکی در سوریه و لبنان برای هدف قرار دادن خاک اسرائیل دارد. لاوروف تأکید کرده هیچ اطلاعاتی نداریم که نشان دهد ایران حمله‌ای علیه اسرائیل در دست انجام دارد. او تأکید کرده که اگر ایران و سوریه در زمینه‌های مشترکی از جمله اقتصاد، حوزه‌های نظامی و دیگر حوزه‌ها با یکدیگر همکاری کنند بدون تخلف از قوانین بین‌المللی هیچ دولتی حق ندارد آنها را در مورد این همکاری‌ها زیر سوال ببرد.

پیش از این بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل با اطمینان اعلام کرده بود، حضور ایران در سوریه اگر بیشتر از این شود حتی ریاست جمهوری اسد را هم تهدید می‌کند.

اسرائیل بارها تأکید کرده علیه نیروها و تجهیزات نظامی حزب‌الله در خاک سوریه حمله هوایی انجام داده است. المصدر مدعی شده، اسرائیل به طور مشخص و سازماندهی شده از تروریست‌هایی حمایت می‌کند که در برابر ارتش سوریه در بلندی‌های جولان می‌جنگند. مانند جبهه التحریرالشام شاخه‌ای از القاعده که قبل از این «جبهه‌النصره» نامیده می‌شد که شامل گروه‌های جهادی مسلح، نیروهای اطلاعاتی، پزشکی و گاهی پشتیبانی هوایی می‌شود.

رقابت «اسکای مایل» با «خلیفه دویی»



«اسکای مایل» در ژاپن

ژاپن در حال ساختن یک آسمان‌خراش بسیار بلند است که گفته می‌شود ارتفاع آن دو برابر ارتفاع برج خلیفه در دبی است.

این آسمان‌خراش که بلندترین بنای جهان خواهد بود برای اولین بار روی دست برج خلیفه دبی که تا کنون مرتفع‌ترین برج جهان به شمار می‌رود بلند می‌شود.

به گزارش وبسایت «المصدر» در این آسمان‌خراش دست کم ۵۵ هزار نفر مسکن خواهند داشت.

برج «اسکای مایل» (sky mile) در توکیو که رسانه‌های ژاپن از طرح ساختن آن خبر داده‌اند، ۱۰۷۰۰ متر ارتفاع دارد یعنی دو برابر ارتفاع برج خلیفه دبی که ۵۲۸ متر ارتفاع دارد.

طبق گزارش المصدر به نقل از دبی میل، این برج در واقع یک شهر جدید خواهد بود. مقامات مسئول ژاپن می‌گویند این برج طوری ساخته شده که در برابر توفان و زلزله مقاوم خواهد بود. طرح و نمای ظاهری این آسمان‌خراش شش ضلعی است. مهندسان طراح «اسکای مایل» می‌گویند این آسمان‌خراش به دلیل شش ضلعی بودن می‌تواند در برابر تندباد، توفان و زلزله مقاومت بیشتری داشته باشد.

طبق این گزارش، آسانسورهای این برج نه تنها در انتقال ساکنان از طبقه‌ی زیرین برج به بالاترین طبقه و بعکس عمل می‌کنند، بلکه برای انتقال ساکنان به صورت افقی نیز کار می‌کنند. سیستم آب‌سانی در این برج حتی در طبقات بالا طوری طرحی شده که با طبقه‌های هم‌کف از نظر کیفیت فشار هیچ تفاوتی نداشته باشد.

شرکت معماری «کوهن پدرسون فاکس» و شرکت «لسلی ای رابرتسون» مسئولیت بنای این آسمان‌خراش را به عهده گرفته‌اند. مقامات ژاپن می‌گویند این برج ۱۷۰۰ متری، بخشی از طرح این کشور برای ساختن شهری در آینده است به نام «Next Tokyo» که قرار است تا سال ۲۰۴۰ پروژه آن تکمیل شود.

مستولان ژاپنی همچنین می‌گویند با افتتاح این شهر، دست کم ۵۰۰ هزار نفر در آن سکونت خواهند داشت. برج تکمیل برج اسکای مایل، برج خلیفه دبی از نظر ارتفاع در رتبه‌ی دوم، برج شانگهای در چین در مقام سوم، برج مرکز تجارت جهانی در نیویورک در رتبه‌ی چهارم و برج تایبه در تایوان در رتبه‌ی پنجم قرار خواهند گرفت.

ژاپن در حال ساختن یک آسمان‌خراش بسیار بلند است که گفته می‌شود ارتفاع آن دو برابر ارتفاع برج خلیفه در دبی است.

این آسمان‌خراش که بلندترین بنای جهان خواهد بود برای اولین بار روی دست برج خلیفه دبی که تا کنون مرتفع‌ترین برج جهان به شمار می‌رود بلند می‌شود.

به گزارش وبسایت «المصدر» در این آسمان‌خراش دست کم ۵۵ هزار نفر مسکن خواهند داشت.

برج «اسکای مایل» (sky mile) در توکیو که رسانه‌های ژاپن از طرح ساختن آن خبر داده‌اند، ۱۰۷۰۰ متر ارتفاع دارد یعنی دو برابر ارتفاع برج خلیفه دبی که ۵۲۸ متر ارتفاع دارد.

طبق گزارش المصدر به نقل از دبی میل، این برج در واقع یک شهر جدید خواهد بود. مقامات مسئول ژاپن می‌گویند این برج طوری ساخته شده که در برابر توفان و زلزله مقاوم خواهد بود. طرح و نمای ظاهری این آسمان‌خراش شش ضلعی است. مهندسان طراح «اسکای مایل» می‌گویند این آسمان‌خراش به دلیل شش ضلعی بودن می‌تواند در برابر تندباد، توفان و زلزله مقاومت بیشتری داشته باشد.

طبق این گزارش، آسانسورهای این برج نه تنها در انتقال ساکنان از طبقه‌ی زیرین برج به بالاترین طبقه و بعکس عمل می‌کنند، بلکه برای انتقال ساکنان به صورت افقی نیز کار می‌کنند. سیستم آب‌سانی در این برج حتی در طبقات بالا طوری طرحی شده که با طبقه‌های هم‌کف از نظر کیفیت فشار هیچ تفاوتی نداشته باشد.

شرکت معماری «کوهن پدرسون فاکس» و شرکت «لسلی ای رابرتسون» مسئولیت بنای این آسمان‌خراش را به عهده گرفته‌اند. مقامات ژاپن می‌گویند این برج ۱۷۰۰ متری، بخشی از طرح این کشور برای ساختن شهری در آینده است به نام «Next Tokyo» که قرار است تا سال ۲۰۴۰ پروژه آن تکمیل شود.

مستولان ژاپنی همچنین می‌گویند با افتتاح این شهر، دست کم ۵۰۰ هزار نفر در آن سکونت خواهند داشت. برج تکمیل برج اسکای مایل، برج خلیفه دبی از نظر ارتفاع در رتبه‌ی دوم، برج شانگهای در چین در مقام سوم، برج مرکز تجارت جهانی در نیویورک در رتبه‌ی چهارم و برج تایبه در تایوان در رتبه‌ی پنجم قرار خواهند گرفت.

تجمع همبستگی با زندانیان سیاسی - عقیدتی در بروکسل



«برای دیدن ویدئو بروی عکس کلیک نموده‌یو به‌سایت کیهان لندن مراجعه‌نمایید»

ار باز همبستگی با زندانیان سیاسی و عقیدتی، خواهان پایان سرکوب و توقف مایشین اعدام شدند.

در خاتمه این تجمع، هیأتی از شرکت‌کنندگان در محل پارلمان اروپا با فیلیپ لامبرت، رئیس فراکسیون احزاب سبز اروپایی و

به دعوت شاخه بلژیکی سازمان عفو بین‌الملل و گروه‌های از فعالان حقوق بشر ایرانی در بلژیک و آلمان، تجمعی در مقابل ساختمان اصلی اتحادیه اروپا در همبستگی با اعتصاب غذای زندانیان رجایی شهر برگزار شد.

هیاتی از فعالان حقوق بشری در خاتمه این تجمع در ساختمان پارلمان اروپا با برخی از قانون‌گذاران ملاقات کردند. دوشنبه ۲۸ بهمن ۲۰۱۷، گروهی از فعالان حقوق بشری ایرانی و اروپایی، تجمعی در میدان شومان بروکسل، در مقابل ساختمان اصلی اتحادیه اروپا، در همبستگی با زندانیان سیاسی و عقیدتی رجایی شهر که بیش از یک ماه است در اعتصاب غذا بسر می‌برند، برگزار کردند.

در این تجمع که بیش از دو ساعت بهطول انجامید، فعالان حقوق بشر، نمایندگان نهادهای اروپایی و برخی از خانواده‌های زندانیان سیاسی به زبان‌های فارسی و فرانسوی رشته سخن را به دست گرفتند، و ضمن

دارالترجمه بین‌المللی فریس

زیر نظر و با مسؤلیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قباله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: **020-7760 7160**
www.assot.co.uk
Email: **assot@aol.com**

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

خاورمیانه، چالش‌ها و فرصت‌ها برای ایران



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

کرد. در عراق دولت تلاش دارد از جمهوری اسلامی ایران فاصله گرفته و روابط خود با کشورهای عربی را توسعه دهد. ترکیه و جمهوری اسلامی ایران اگرچه هر دو مخالف برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق هستند، ولی در یک جبهه قرار ندارند. احمد رأفت در رابطه با این تحولات تقویت خواهد کرد. نخست وزیر اسرائیل در ششمین سفر خود به روسیه، در کمتر از دو سال، افزایش نفوذ جمهوری اسلامی در سوریه را خطری جدی برای امنیت خود اعلام

کرد. در خاورمیانه، تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود؟ احمد رأفت این پرسش‌ها را با امیر طاهری روزنامه‌نگار بین‌المللی در میان گذاشته‌است. خاورمیانه در هفته‌های اخیر شاهد تحولات چشمگیری بوده است. آمریکا حضور نظامی خود در افغانستان را با اعزام سربازان جدیدی تقویت خواهد کرد. نخست وزیر اسرائیل در ششمین سفر خود به روسیه، در کمتر از دو سال، افزایش نفوذ جمهوری اسلامی در سوریه را خطری جدی برای امنیت خود اعلام

آیا برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق که قرار است ۲۵ سپتامبر برگزار شود، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه را در کنار هم قرار خواهد داد؟ آیا تقویت حضور شبه‌نظامیان تحت حمایت سپاه پاسداران، در بلندی‌های جولان، به رودرویی مستقیم جمهوری اسلامی و اسرائیل خواهد انجامید؟ دولت عراق و برخی از گروه‌ها و شخصیت‌های شیعی در این کشور چراغ جمهوری اسلامی ایران فاصله گرفته‌اند؟ تغییر سیاست‌های آمریکا در منطقه و افزایش حضور نظامی این کشور

شاهزاده رضا پهلوی از ریاست «شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد» کنار می‌رود



شاهزاده رضا پهلوی در بیانیه‌ای که به مناسبت چهارمین مجمع عمومی «شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد» منتشر کرده، اعلام کرده است که با برگزاری این مجمع دیگر ریاست این شورا را برعهده نخواهد داشت. رضا پهلوی شناخته‌شده‌ترین چهره‌ی اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران که سال‌هاست با هدف برقراری یک نظام دموکراتیک و سکولار در عرصه‌ی مبارزات سیاسی ایران حضور دارد، خود از مبتکران تأسیس این شورا بود که ابتدا سخنگوی آن و از سال ۹۴ ریاست آن را بر عهده داشت. شاهزاده رضا پهلوی در این بیانیه توضیح نداده است که از این پس چه نقشی در این شورا خواهد داشت و حضور سیاسی وی در آینده چگونه خواهد بود.

چهارمین مجمع این شورا قرار است روز ۲۵ شهریور ۹۶ (۱۶ سپتامبر ۲۰۱۷) برگزار شود. متن کامل بیانیه‌ی شاهزاده رضا پهلوی در ادامه می‌خوانید.

مجمع عمومی آینده شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد
۲۵ شهریور - ۱۶ سپتامبر

سرزمینمان ایران با دوران حساس و پیچیده تاریخی روبرو است. از یکسو فروپاشی شیرازه‌های حکومت اقتلاسی جمهوری اسلامی و از سوی دیگر تحولات منطقه‌ای و در نهایت تغییر خط مشی جامعه جهانی در برابر سیاست‌های تروریست‌پرور و تنش‌زای جمهوری اسلامی می‌تواند نویدبخش تغییرات بنیادین برای ملت ایران باشد. به همین دلیل، نقش تاریخی بر دوش یکایک ما ایرانیان است تا از این دوران با کمترین هزینه به سوی آزادی و حاکمیت مردم بر مردم گذر کنیم. گردهمایی‌های اعتراضی درون کشور را انجمنان هدایت کنیم که از وقوع خشونت دوری شود و بر اساس رفتار جمعی ملت ایران، جامعه جهانی در سیاست‌گذاری‌های خود از گزینه جنگ بپرهیزد. به راستی، از خود بیرون شویم و غرق در ایران شویم و دست در دست یکدیگر به عنوان یک عضو خانواده بزرگ و کهن، سرنوشت و آینده فرزندان این مرز و بوم را رقم زنیم. هم میهنانم، از ابتدای به روی کار آمدن این نظام

شعار «ضد حصر» و عکس محمد مصدق در مراسم تشییع ابراهیم یزدی



شماری از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع ابراهیم یزدی علیه رژیم شعارهای انتقادی سر دادند. آنها تصاویری از محمد مصدق و محمود طالبانی در دست داشتند

مراسم تشییع و خاکسپاری ابراهیم یزدی، وزیر خارجه‌ی دولت مهدی بازرگان و دبیرکل نهضت آزادی صبح پنج‌شنبه، نهم شهریور، از مقابل حسینیه ارشاد در تهران برگزار شد. در این مراسم گروهی از اعضای نهضت آزادی و ملی-مذهبی‌ها از جمله محمد ملکی، لطف‌الله میثمی و محمد توسلی حضور داشتند. عبدالله نوری، وزیر کشور کابینه نخست خاتمی، مرتضی الویری، فیض‌الله عرب سرخی، حجت نظری، علی شکوری‌راد، ولی‌الله شجاع پوریان، صادق زیباکلام و محمدرضا خاتمی نیز از دیگر حاضران در مراسم بودند. محمود دعایی، مدیر مسؤول روزنامه اطلاعات نماز میت را بر تابوت یزدی را خواند.

نوشته «هرچند قیاس نادرستی باشد؛ اما شاید عقابت یزدی برای وزیر خندان تکرار شود؛ یزدی را با تمام اعتمادش به آمریکا برای درمانش ویزا ندادند!» از حواشی مرگ ابراهیم یزدی انتشار پیام تسلیت دکتر نوعلی تابنده (قطب دراویش گنابادی) در روزنامه اطلاعات بود. ابراهیم یزدی شامگاه یک‌شنبه در سن ۸۶ سالگی در اثر ابتلا به بیماری سرطان در شهر از میر ترکیه در گذشت.

«زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «یا حسین میر حسین» و «پیام ما روشن، حصر باید بشکند» شعارهایی بود که شرکت‌کنندگان در این مراسم سردادند. در فضای مجازی گروهی کاربران به مراسم تدفین یزدی واکنش نشان داده‌اند. علی ملیحی در توییتش نوشت «حضور آقایان میردامادی، عبدی و

مستبد، همه تلاش و هم و غم من، یاری دادن به همبستگی و همیاری برای آزادی و سربلندی سرزمینمان ایران بوده است. به ویژه تحولات دهه اخیر پس از رویداد خرداد ۸۸، نسل جدیدی باورمند به آزادی برای حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن، به دور از هرگونه وابستگی ایدئولوژیکی وارد صحنه مبارزات شد. ادامه سرکوب، وضعیت نابسامان زندانیان سیاسی - عقیدتی، افزایش آمار اعدام، توسعه اقتصاد رانتی، افزایش نجومی اختلاس سردمداران، گسترش فقر، بیکاری، فساد، اعتیاد، فحشا و تنش‌زایی در سطح منطقه و جهان، شرایط را به گونه‌ای تغییر داد که به‌وجود آمدن بستری فرامسلسلی را در برون از مرزهای کشورمان برای بازتاب صدای مردم ستمدیده ایران لازم دانستم.

اینچنین با همیاری یاران برآن شدیم تا دست در دست هم، بدیلی دموکراتیک در برابر نظام جمهوری اسلامی سازمان دهیم. نهادی که حول منشور هفده‌گانه، ساز و کار مناسب برای شروع یک حرکت فرامسلسلی در راستای انحلال دیکتاتوری جمهوری اسلامی در ایران و سپس شرایط برگزاری انتخابات آزاد، سالم و عادلانه برای تعیین قانون اساسی نوین ایران مبتنی بر دموکراسی، حقوق بشر و گیتی‌گرایی را ایجاد کند.

بدینسان، شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد به تاریخ فروردین ماه ۱۳۹۲ در شهر پاریس بنیان نهاده شد. با توجه به راهکارهای پیش‌بینی شده در سال نخست، نقش سخنگوی این نهاد را به رای مجمع موسس به مدت دوازده ماه برعهده گرفتیم. در جایگاه سخنگوی این

احمد سالک نماینده مجلس شورای اسلامی: سران فتنه در آسایش و آرامش زندگی می‌کنند و ظاهراً در حصرند!

احمد سالک نماینده مجلس شورای اسلامی: سران فتنه در آسایش و آرامش زندگی می‌کنند و ظاهراً در حصرند!



نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی از مسئولان جمهوری اسلامی خواسته است نسبت به ایرانیان مقیم خارج بی تفاوت نباشند و برای وابستگی و دل بستگی میلیون‌ها هموطن تحصیل‌کرده اروپا، آمریکا و کانادا کاری انجام دهند. اسفندیار اختیاری اضافه کرده است با مهاجران سیاسی و اجتماعی هم روبرو هستیم که می‌توانند نخبه‌های سیاسی و اجتماعی باشند. یکی از علت‌های مهاجرت، عدم مناسب بودن امکانات در داخل ایران با نیازهاست. مثلاً کسانی مانند پروفیسور سمیعی از ایران می‌روند چون کلینیک مغز و اعصاب در کشور نیست. باید با تحصیل کرده‌ها و افراد مفید و استعدادهای درخشان در تماس بود. اگر به این طبقه توجه نشود ظلم به مردم و کشور است چون حضور این مغزها در مملکت و خدمت‌رسانی آنها به بخش‌های مختلف علمی، صنعتی و اقتصادی به طرز فوق العاده‌ای در پیشرفت

نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی با تأکید به اینکه «فتنه‌گران» به اعتبارات جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی ضربه وارد کردند و خیانت و جنایت کردند مدعی شده فتنه بزرگتری در پیش رو داریم و باید مراقبت کرد.

چند هفته‌ای است بحث بر سر حصر کروبی، موسوی و رهنورد در مجلس زیاد شده است. پس از آنکه مصطفی کوآکبیان از علی لاریجانی خواستار رسیدگی به وضعیت محصورین شد، روز دوشنبه ششم شهریور احمد سالک نماینده اصفهان در نطق خود گفت: «سران فتنه حسب ظاهر در حصر هستند و ما خبر داریم که در آزادی کامل بسر می‌برند و به کسانی که به دنبال رفع حصر هستند، توصیه می‌کنم که اگر سران فتنه محاکمه شوند، شرایط دیگری رقم خواهد خورد.»

احمد سالک کاشانی در نطق میان دستور خود در جلسه علنی مجلس گفته «پیروزی نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی بستگی به قبول حاکمیت

بیش از نیمی از ایرانیان مقیم خارج تحصیلات دانشگاهی دارند



دکتر ده سال درس خوانده و هزینه سنگینی برای او یا کشور داشته، با مهاجرت به خارج، سرمایه انسانی و مالی زیادی را از مملکت بیرون می‌برد. وی افزود: نرخ مهاجرت ایران نسبت به کل جمعیت تا سال ۲۰۱۶، ۱/۱ درصد بوده و نسبت دانشجویان ایرانی مقیم خارج به دانشجویان داخل نیز ۱/۱ درصد است.

نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی از مسئولان جمهوری اسلامی خواسته است نسبت به ایرانیان مقیم خارج بی تفاوت نباشند و برای وابستگی و دل بستگی میلیون‌ها هموطن تحصیل‌کرده اروپا، آمریکا و کانادا کاری انجام دهند. اسفندیار اختیاری اضافه کرده است با مهاجران سیاسی و اجتماعی هم روبرو هستیم که می‌توانند نخبه‌های سیاسی و اجتماعی باشند. یکی از علت‌های مهاجرت، عدم مناسب بودن امکانات در داخل ایران با نیازهاست. مثلاً کسانی مانند پروفیسور سمیعی از ایران می‌روند چون کلینیک مغز و اعصاب در کشور نیست. باید با تحصیل کرده‌ها و افراد مفید و استعدادهای درخشان در تماس بود. اگر به این طبقه توجه نشود ظلم به مردم و کشور است چون حضور این مغزها در مملکت و خدمت‌رسانی آنها به بخش‌های مختلف علمی، صنعتی و اقتصادی به طرز فوق العاده‌ای در پیشرفت

خداوند بزرگ و رسولش و ائمه اطهار و ولایت دارد و رمز موفقیت ملت‌های اسلامی آن است که در تمام شرایط با رهبری باشیم. نه یک قدم جلوتر و نه یک قدم عقب‌تر.»

سالک در نطق خود گفت: «رییس‌جمهور در به‌کارگیری عناصر فتنه و فتنه‌گر که جزو خطوط قرمز ماست پرهیز کند. اگرچه بعضی از تریبون‌ها و از جمله تریبون مجلس اعلام کردند فتنه تمام شده است و دیگر سخن از فتنه نگویید. عده‌ای به دنبال حذف حصر سران فتنه هستند.» علاوه بر نمایندگان تندروی مجلس و مسوولان قوه قضاییه، رسانه‌های نزدیک به حزب‌اللهی‌ها و حامیان خامنه‌ای نیز در روزهای گذشته مواضع تندی علیه رهبران جنبش سبز گرفته‌اند و این اظهارات سالک هم در ادامه همین موج است که در واکنش به فشارها

آوازه

تنگ مضراب!

این «کژ طبع جانوران»

هفته گذشته سرانجام یکی از نمایندگان ولایت فقیه در مجلس شورای اسلامی تاب نیابرد و فریاد زد «بالاخره تکلیف ما را روشن کنید، موسیقی حلال است یا حرام؟»

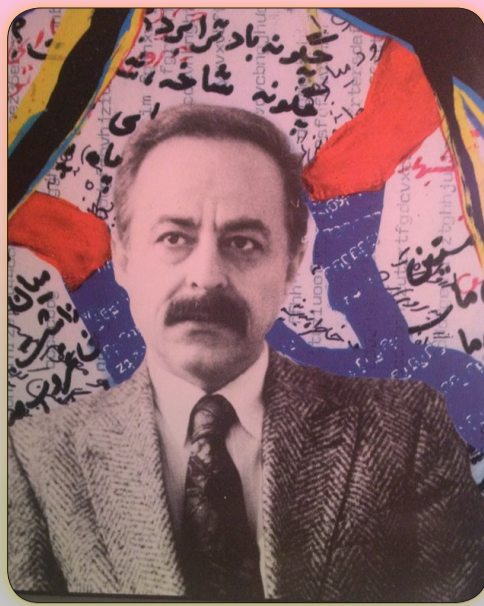
نزدیک به چهل سال است که ما هر جا مجالی پیدا کرده‌ایم، گفته‌ایم که تکلیف موسیقی را روشن کنید ولی باز هر روز خبر از فتوای تازه‌ای از سوی حجج اسلام و آیات عظام صادر شده و سرگیجه سرنوشت موسیقی را افزون کرده است.

نخستین کسی که حرام بودن موسیقی را تایید کرد شخص شخصی رهبر انقلاب بود که در همان سال آغاز پیروزی انقلاب گفت: موسیقی خیانت است جانان ما را فقل می‌کند.

در پی اظهار نظر رهبر از زمین و زمان بیانیته و قطعنامه فرو بارید که موسیقی را به عنوان دشمن اصلی جوانان ایران معرفی می‌کرد. بر اساس این بیانیته‌ها موسیقی در سال‌های پس از انقلاب دچار خفقان شد ولی مگر می‌شود تا قیام قیامت موسیقی را به کناری نهاد. همه برنامه‌های فرهنگی در جهان امروز از همیاری موسیقی بهره می‌گیرند و گروه‌های بزرگ و کوچک با شیوه‌های مختلف می‌کوشند تا نیاز جوانان را برآورده کنند. جوانان ایران نیز در طول این سال‌ها نهایت کوشش و تلاش را به کار زده‌اند که دیگر موسیقی را از آنها نگیرند. در این کار موفقیت‌های چشمگیری نیز به دست آورده‌اند. موسیقیدانان جوان راه‌هایی پیدا کرده‌اند تا ممنوعیت‌های موجود را دور بزنند و هسته‌های اصلی تولید موسیقی را فعال نگاه دارند. این ممنوعیت‌ها گاه آنچنان مرتجع است که آدمی باورش نمی‌شود در قرن بیست و یکم با چنین خزعبلاتی روبرو شود. کارگزاران فرهنگی ابتدا صدای زنان را ممنوع کردند، تصمیم بعدی این بود که با در حاشیه قرار دادن صدای زن به عنوان هم‌اوابی مفری برای موسیقی پیدا کنند. چندی نگذشت که باز فتواهای دیگری صادر شد از جمله ممنوعیت نمایش سازها. استفاده از سازهای غربی که پیش از آن ممنوع شده بود.

آشفته‌گی‌های مه‌رانشده

در جریان «جنبش سبز» دیگر مهار از دست همه بیرون رفت. از یک سو هر کس ملودی تازه‌ای به بازار می‌آورد تبدیل به قهرمان می‌شد و این بر آشفته‌گی جامعه موسیقی می‌افزود. نوآوری با دری وری به اشتباه گرفته می‌شد. ولی از سوی دیگر امکانات تازه‌ای برای آنها که حرفی برای گفتن داشتند به وجود آمد. کار به جایی رسید که در دو سه دوره انتخابات ریاست جمهوری موسیقی مددکار کارگزاران فرهنگی شد تا بازار انتخاباتی را گرم نگاه دارند و فکر خلاق را از هزاران مشکل ریز و درشت که در زندگی دارند منحرف سازند. از این بازار گرم باز بیش از همه جوانان جویای نام و کم دانش و تجربه استفاده کردند و بر آشفته‌گی‌ها افزودند. در برابر این، گروهی از جوانان موسیقیدان که تجربه کافی نیز در کار خود داشتند دگرگونی‌های برجسته‌ای در کار موسیقی پدید آوردند. ملودی‌ها رنگین‌تر شد و ضرب‌ها آهنگین‌تر و به مرور خون تازه‌ای در رگ‌های موسیقی ایران جاری شد که در چشم‌انداز آن می‌توان



ای که بوی ماه می دهی!

(رضا مقصدی)
۴ شهریور ۱۳۹۶

ماه

در کدام شب

نطفه‌ی تو بسته شد؟

ای تو! ای که بوی ماه می دهی!

آسمانم از ستاره‌ها تهی
روزهای من، کبود بود.

رود هم برای برگ‌های من
حرف تازه‌ای نداشت.

ناگهان، سرود ناگهانه‌ات چه خوش نشست
بر من و همیشه‌های ریشه‌ام.

دانه‌های گندم به خاک
سبز نیست؟ چه باک.

من به این خوشم که آرزوی آبی مرا
زیر سایه - روشن‌ت پناه، می دهی

پیش چشم باغ باورم
دوستی، شکست و ریخت

خنجری دوباره آمد و میان کتف‌های من نشست.

خواستم که بگذرم ز سیب
وز کنار هر انار تازه، تلخ بگذرم
دستت ای بهار بلخ
سیب را به سمت من گرفت

عطر سرخوشی ست در مشام من
عطر روشنای صبحگاه.

در شبی که جان عاشق مرا فرو گرفته است
راه را به نور تازه، فرش کن!
ای تو! ای که بوی ماه می دهی!

ترانه‌هایی از دور دست

نوجوانی در همین شهر و بعد در مشهد زندگی می‌کرده و در سال ۱۳۲۹ به اتحاد جماهیر شوروی رفت. وی نخست ساکن دوشنبه پایتخت تاجیکستان شد و در سال ۱۳۴۵ به آذربایجان شوروی کوچ کرد. در سال ۱۹۸۴ و در آستانه‌ی فروپاشی اتحاد شوروی همه چیز را رها کرد و به آلمان غربی رفت. ۱۶ ساله بود که در مشهد به ازدواج یک افسر توده‌ای به نام رحیم شریفی در آمد و پس از مدتی به دلیل عضویت

است به نام «دیاموند» در کنار سینمای زیبا و خوش‌بنای دیاموند، خیابان روزولت روبروی امجدیه؛ صفحه و نوار می‌فروشد. بیشترین ترانه‌های ترکی و آذربایجانی، از جمله آثار هنرمندان آذربایجان شوروی را می‌توان در اینجا پیدا کرد. حتی صفحه‌فروشی بتهوون در چهارراه پهلوی هم بعضی از این آهنگ‌ها را ندارد.

اواسط دهه‌ی پنجاه خورشیدی است؛ کاست لیلا شریفوا را از «دیاموند» نوجوانی در همین شهر و بعد در مشهد زندگی می‌کرده و در سال ۱۳۲۹ به اتحاد جماهیر شوروی رفت. وی نخست ساکن دوشنبه پایتخت تاجیکستان شد و در سال ۱۳۴۵ به آذربایجان شوروی کوچ کرد. در سال ۱۹۸۴ و در آستانه‌ی فروپاشی اتحاد شوروی همه چیز را رها کرد و به آلمان غربی رفت. ۱۶ ساله بود که در مشهد به ازدواج یک افسر توده‌ای به نام رحیم شریفی در آمد و پس از مدتی به دلیل عضویت



شرق» می‌خواندند، و اینک در آوارگی و روزهای غربت و خاموشی، به گذشته و فراموشی سپرده شده، از لابلای سطور نامه‌هایش و همچنین عکس‌هایی که فرستاده می‌توانم ببینم و درک کنم، بدون آنکه کاری از دستم بر آید. گذشته را نه می‌توان تغییر داد و نه می‌توان برگرداند! هر کسی را در این جهان جایی است و سرایی، که پایدار نیست! همه، لحظاتی بر این صحنه ظاهر می‌شویم و نقش خود را بازی می‌کنیم و می‌رویم تا عده‌ی دیگری، نسل‌های دیگری، بیایند و، آنها نیز بروند... و او که زنی باتجربه و جهان‌دیده است این را می‌داند و گمان می‌کند به همین دلیل هر بار در پاسخ احوالپرسی‌ام می‌گوید: «هیچی! منتظرم بمیرم دیگه!» و شادمانه می‌خندد... به عنوان شنونده‌ای که دستی به قلم دارد اما می‌توانم حق‌شناس باشم از اینکه لیلا سال‌های طولانی با نوازی مخملین و ترانه‌هایش گوش‌های بسیاری را نواخت، و دل‌هایی را شاد کرد، و با اندوه کسانی که نمی‌شناخت همراه شد و کاست‌اش در فروشگاه کوچک دیاموند که دیگر اثری از آن باقی نیست، به خاطرهای خوش بدل گشت.

همسرش در سازمان افسران حزب توده در خراسان، هر دو به اتحاد شوروی پناهنده شدند. در کتابگزاری «آن گنهکاران بیگناه» درباره «سرنوشت سه نسل آواره» نوشتیم که این کتاب «اگر به دست گروهی کاردان سپرده شود می‌تواند به یک سریال تلویزیونی و یا یک فیلم تبدیل شود که در آن طلوع یک «ستاره درخشان» با تحکیم یک نظام سیاسی آغاز می‌شود و غروبش پس از سی سال فعالیت هنری با فروپاشی آن نظام همزمان می‌گردد.»

می‌خرم؛ در این کاست ترانه‌هایی هم به زبان فارسی دارد از جمله یک لالایی... با صدایی نرم و مخملین و آرامش‌بخش. آن دانشجوی قبل از انقلاب ۵۷ کجا و لیلا شریفوا در اتحاد شوروی کجا. در یک تقاطع و بزنگاه تاریخی اما، در یک فاصله‌ی ده ساله، دروازه‌های ایران بسته می‌شود و درهای شوروی باز! در هر دو کشور، گروهی از نسل‌های مختلف آواره‌ی کشورهای دیگر می‌شوند و سال‌ها طول می‌کشد تا دوباره جایی در کشور جدید برای ادامه‌ی زندگی خود بیابند. نقطه‌ی تلاقی، شهری است که خود از میان دو قسمت شده بود: برلین!

در جای خالی چهره‌های بین‌المللی، «ماجرای نیمروز» جمهوری اسلامی به اسکار معرفی می‌شود!



● با درگذشت عباس کیارستمی، ممنوعیت فعالیت جعفر پناهی و کوچ اصغر فرهادی به فیلمسازی بین‌المللی، حضور سینمای ایران در خارج از مرزها کمرنگ شده است.

● «لرد» به دلیل توقیف بودن امکان معرفی به آکادمی اسکار را ندارد.

گذشته با «فروشنده» ساخته اصغر فرهادی اسکار بهترین فیلم خارجی زبان را به دست آورد، امسال برای معرفی فیلم ایرانی به این رقابت نامدار گزینه‌های چندانی ندارد. در این میان، منابع داخلی شانس «ماجرای نیمروز» و «رگ خواب» را برای معرفی به آکادمی اسکار بیشتر از دیگر فیلم‌ها می‌دانند. گویا قرار است جمهوری اسلامی این بار شانس خود را با یک فیلم حکومتی تمام‌عیار بیازماید.

حضور سینمای ایران در عرصه‌های بین‌المللی کمرنگ شده است. چنانکه در تمایل اصغر فرهادی به فیلمسازی برای کشورهای دیگر، کارممنوع بودن سینماگری چون جعفر پناهی و درگذشت عباس کیارستمی، این سینما به دایره‌ای بسته‌تر برای مخاطب داخلی بدل شده است. آنگاه که منابع داخلی ایران می‌گویند، سینمای ایران امسال برای شرکت در مراسم اسکار، فیلم قابل عرضه‌ای در دست ندارد. سینمای ایران که سال

باز نزدیک شدن به پایان مهلت معرفی نماینده به آکادمی اسکار، شنیده‌ها حاکی است که شانس فیلم‌های «ماجرای نیمروز» (محمدحسین مهدویان) و «رگ خواب» (حمید نعمت‌الله) از همه بیشتر است. پس از درگذشت عباس کیارستمی و ممنوعیت فعالیت جعفر پناهی، به نظر می‌رسد سینمای ایران امروز دیگر حرفی برای گفتن در فستیوال‌های جهانی ندارد. با رونق سینمای کمدی و اجتماعی بومی، به نظر می‌رسد

تجاوز و اعدام کودکان در دهه تاریک شصت



عکس از مجله آلمانی «کنکرت» ژوئیه ۱۹۸۲؛ این مجله که از اسدالله لاجوردی به عنوان «جلاد تهران» نام می‌برد، خبرنگار خود را برای تهیه گزارش به اوین فرستاده بود. این زندانیان نوجوان که در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران دستگیر شده بودند، همگی اعدام شدند

از برادرانش علی محمد و علی رضا، در ۱۵ سالگی اعدام شد. مصداقی از سمیه تقوایی، دانش آموز ۹ ساله متولد ۱۳۵۱ نیز می‌گوید که همراه با مادر و پدرش و دو نفر از اعضای سازمان مجاهدین زندگی می‌کرد. وی در حالی که مشغول نوشتن تکالیف مدرسه‌اش بود توسط مأموران امنیتی که برای دستگیری مادر و پدرش به خانه آنها هجوم آورده بودند بازداشت شد. به گفته‌ی مصداقی، سمیه با اصرار لاجوردی و محمدی گیلانی مبنی بر اینکه به سن تکلیف رسیده است ۵ سال در اوین زندانی و شاهد شکنجه شدن سایر زندانیان بود. لاجوردی در ۱۳ سالگی او را به نامزدی یکی از پاسداران درآورد و دوباره به زندان بازگرداند. سنیع مدتی بعد به عمه و سپس عمویش سپرده شد و در ۱۵ سالگی به اجبار لاجوردی به عقد پاسداری که موجه بود درآمد و از وی صاحب دو فرزند شد. سمیه که در خانواده این پاسدار به شدت مورد آزار قرار گرفته بود در ۲۰ سالگی دچار سرطان سینه شد. در نهایت سمیه در ماه‌های آخر عمرش هنگام ۲۵ سالگی اجازه پیدا کرد به لندن برود جایی که پدر و مادرش بعد از جدایی از مجاهدین در آنجا اقامت داشتند و در همانجا هم از دنیا رفت. ابرج مصداقی در ادامه‌ی گفتگو با کیهان لندن به شماری از کودکان زندانی اشاره می‌کند که همگی هنگام بازداشت ۱۴-۱۵ ساله و یا حداکثر ۱۶ ساله بودند و در کشتار ۶۷ اعدام شدند از جمله محمدرضا مجیدی،



در این عکس لاجوردی در حضور خبرنگار و عکاس «کنکرت» با نشان دادن عکس پای یک دختر شکنجه شده به زندانیان مجاهد که جوان ترین آنها ۱۴ سال بیشتر ندارد می‌گوید: «ببینید درباره اینها چه می‌نویسند!» و منظورش این بود که درباره شکنجه و اعدام، دروغ منتشر می‌کنند!

سهیل دانیال، احمد غلامی، محمدرضا علیرضا نیا و... مسعود افتخاری. واقعیت این است که برخی از حقایق تاریخی برای همیشه در حافظه جمعی و تاریخی یک جامعه ماندگار می‌شوند؛ تراژدی کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در دهه شصت نیز از آن دسته حقایق انکارناپذیر و فراموش نشدنی است که در طول دو دهه گذشته در پشت درهای بسته و در میان روایت‌های تکه پاره‌ی جان‌به‌دربرندگان توانست به خاطره‌ی جمعی و فصلی دردناک از تاریخ معاصر ایران تبدیل شود. آن دوران ملامت از رنج و غم هر چند آزاردهنده است اما تجربه‌ای است فحیح تا بر اساس آن بتوان از تکرارش جلوگیری کرد.

*عکس‌ها برگرفته از گفتگو با محمود رفیع، بنیانگذار جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران - برلن؛ ۱ بهمن ۱۳۹۰

جمهوری اسلامی تنها بخش کوچکی از انبوه زخم‌های التیام نیافته است، در کنار بسیاری گزارش‌های منتشر شده در مورد تجاوز به دختران باکره پیش از اعدام، به گواهی بسیاری از جان بدربرندگان از آن کشتار، موارد بسیاری از آزار و اذیت، شکنجه و سوء استفاده جنسی علیه کودکان و نوجوانان گزارش شده است. ابرج مصداقی که ۱۰ سال از ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ در زندان‌های اوین، قزل حصار و گوهردشت در حبس بوده است با اشاره به تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان زندانی در زندان اوین که در سال‌های ۶۰ و ۶۱ بازداشت شده بودند به کیهان لندن می‌گوید: «در دوران اسدالله لاجوردی بارها کودکان و نوجوانان از سوی پاسداران در بندها و سالن ۶ «آموزشگاه» اوین، بند اختصاصی کودکان و نوجوانان زندانی و... مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفتند.»

این زندانی سیاسی سابق به نقش مهم اسدالله لاجوردی، رئیس پیشین زندان اوین و دادستان انقلاب تهران در دهه شصت در آزار و شکنجه کودکان و نوجوانان زندانی اشاره می‌کند و می‌افزاید: «لاجوردی روزها کودکان و نوجوانان محبوس در سالن ۶ اوین را مجبور می‌کرد تا خاک را خشک کرده و سرنده کنند تا در آنجا گل بکارند و باغچه درست کنند. او کودکان و نوجوانان را وامی‌داشت پوک‌های گلوله را از دیواره‌های تپه‌های اوین و محل تیرباران‌ها درآورند. او از آنها در کندن زمین قتلگاه زندانیان که تا عمق یک متری خاکی خون لود داشت استفاده می‌کرد.»

فیروزه رمضان زاده - درست پس از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و برقراری آتش‌بس میان ایران و عراق، شادی پایان جنگ برای بسیاری از خانواده‌ها در ایران به عزا تبدیل و برنامه از پیش تدارک شده کشتار زندانیان مجاهد در مردادماه و چپ‌ها در شهریورماه ۱۳۶۷ آغاز شد. بر سر ارزیابی تعداد دقیق اعدام‌شدگان بین مراجع مختلف، اختلاف نظر وجود دارد؛ آیت الله منتظری در کتاب خاطرات خود تعداد جانبازان کشته شده این دوره را حدود ۲۸۰۰ یا ۳۸۰۰ نفر اعلام کرده است اما تعداد قربانیان این فاجعه انسانی نزد برخی منابع، بین سه هزار تا پنج‌هزار نفر تخمین زده می‌شود.

در میان فهرست اسامی منتشر شده از جان باختگان، اسامی کودکان و نوجوانان نیز به چشم می‌خورد؛ کودکانی که پس از گذراندن چندین سال در زندان بالغ شده بودند؛ آنها از تحصیل و حقوق اجتماعی خود محروم شدند بدون اینکه دادگاهی برای محاکمه آنان تشکیل شده باشد؛ بدون آنکه فرصتی برای خداحافظی با خانواده‌های خود بیابند؛ آنها به حکم بیدادگاه «هیات مرگ» در سکوت محض خیری و باعجله اعدام و سر به نیست شدند؛ پیکر آنها هرگز به خانواده‌هاشان بازپس داده نشد؛ آنان در گورهای جمعی به خاک سپرده شدند. بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی سازمان «ایران تریبونال» نام بیش از ۱۲۶ دختر و پسر ۱۸ ساله و زیر ۱۸ سال در میان اعدام‌شدگان و زیر ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ دیده می‌شود. اما در جریان اعدام‌های سال ۶۷ تعداد اعدام‌شده‌های زیر ۱۵ سال انگشت‌شمار بوده است. اعدام‌های فله‌ای و فراقضایی زندانیان و دگراندیشان سیاسی در زندان‌های

● **ابرج مصداقی: منظور محمدی گیلانی از «غیرمکلف» سن ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران است؛ با همین معیار، فاطمه مصباح دانش‌آموز ۱۳ ساله را مقابل جوخه اعدام قرار دادند. خواهرش عزت ۱۵ ساله بود که به رگبار ۳ بسته شد. از آن خانواده ۸ نفری هیچ‌کس را باقی نگذاشتند.**

● **اعدام‌های فله‌ای و فراقضایی زندانیان و دگراندیشان سیاسی در زندان‌های جمهوری اسلامی تنها بخش کوچکی از انبوه زخم‌های التیام نیافته است. در کنار گزارش‌های بسیار منتشر شده در مورد تجاوز به دختران باکره پیش از اعدام، به گواهی بسیاری از جان بدربرندگان از آن کشتار، موارد بسیاری از آزار و اذیت، شکنجه و سوء استفاده جنسی علیه کودکان و نوجوانان گزارش شده است.**

خود ابراهیمی و رساله‌اش داشتند... بیشترین سعی و تلاششان را نمودند تا به آن جمعیت انبوه نشان دهند که رساله ابراهیمی واجد صلاحیت علمی نیست. همه‌ی اینها یک‌سوی حضور ابراهیم یزدی در این جلسه هم برای دانشجوی یادشده، که امروز خود از اساتید دانشگاه است پُر از دردسر بود. از یزدی چهره‌ی دوگانه‌ای در بین آنها که از دور و نزدیک وی را می‌شناختند باقی مانده است که بسیار از هم متفاوت است. مصطفی تاجزاده، در توپیترش نوشته «ایران سیاستمداری باهوش، شجاع، تشکیلاتی، مجرب، صبور و دلسوز را از دست داد. دکتر ابراهیم یزدی تا پایان به مهندس بازرگان وفادار ماند»، اما کاربری به اسم سید جواد خطاب به او پاسخ داده «تاجزاده دهه‌ی شصت در تجمع ضد نهضت آزادی‌ها، روی موتور هزار ملیا کوشن؟ تو سوارخ موشن!» (دهه‌ی نود روی دنده‌ی افلاس)؛ عاشق دل خسته‌ی همان‌ها. یگانه خدای، نوشته «کسانی می‌میرند که هیچ جایگزینی ندارند و این مرگ رو غم‌انگیزتر می‌کنه، مرگ انسان‌های شریف» و عجیب‌زاده توپیت کرده «طراح روز قدس، نشخوارگر قدرت از کوزه‌ی ملت و آخور مذهب، پشت پرده‌ی رسوایی هواپیمای اف ۱۴ و دهه‌ها خیانت دیگر مُرد. بله! ابراهیم یزدی مُرد.» فعالین سیاسی چپ هم واکنش‌های مشابهی به مرگ یزدی نشان دادند، امیر ابتهاج نوشته «دکتر ابراهیم یزدی به زن خوب اهمیت می‌داد. دامادش (شهریار روحانی) رو همه کاره وزارت خارجه کرد تا جایی که کریم سنجابی (وزیرخارجه) استعفا داد!»

منیژه رحیمی همسر تیمسار مهدی رحیمی: آرزو داشتیم ابراهیم یزدی محاکمه شود



منیژه رحیمی همسر تیمسار مهدی رحیمی، که ابراهیم یزدی به بازجویی از وی پرداخت و سپس به همراه شمار زیادی از پایوران حکومت پهلوی تیرباران شد، در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید اگرچه از مرگ ابراهیم یزدی خوشحال است ولی ترجیح می‌داد او محاکمه شود.

منیژه رحیمی که پس از دستگیری و تیرباران همسرش در تهران مخفی زندگی می‌کرد، می‌گوید با کمک یکی از اعضای کمیته‌های انقلاب از کشور خارج شد. همسر مهدی رحیمی شک ندارد که روزی حقیقت در رابطه با کشته شدن مردم در خیابان‌های تهران در زمان حکومت نظامی، مانند واقعه ابراهیم یزدی، یکی از نزدیک‌ترین قیل و بعد از انقلاب اسلامی، در بیمارستانی در ازبیر ترکیه، بر اثر ابتلا به بیماری سرطان، در سن ۸۵ سالگی، در گذشت. ابراهیم یزدی که در سه دهه گذشته از حلقه قدرت کنار گذاشته شده بود، پس از مرگ مهدی بازرگان رهبری نهضت آزادی را به دست گرفته بود. در رابطه با

ابراهیم یزدی، وامانده از انقلابی که جایی برای کراواتی‌های ملی - مذهبی نداشت



ابراهیم یزدی در اوج قدرت دست در دست یاسر عرفات و احمد خمینی بود، رد کرد.

و رسانه‌های غرب در روزهای انقلاب یزدی به ویژه پس از انتخابات جنجالی سال ۱۳۸۸ و اعتراض به نتایج آن بیشتر مغضوب حکومت و رهبری آن قرار گرفت و حتی از حضورش در بسیاری نشست‌ها جلوگیری کردند؛ با این حال تغییرات فکری که در سه دهه‌ی گذشته ظاهراً از سر گذراند، چهره‌ی او را بیشتر از صاحبان قدرت مخدوش نکرد. همان گونه که گفته شد، دستگاه‌های امنیتی، یزدی را از سال ۸۸ به بعد بسیار محدود کردند و مدت‌ها از حضورش در نشست‌ها جلوگیری می‌شد، اما یکی از جلسات که رفت و بسیار جنجالی هم بود، مربوط به جلسه‌ی دفاع رساله‌ی بابک ابراهیمی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران بود که آذر ۱۳۹۳ برگزار شد. رساله‌ی این دانشجو «زندگی سیاسی و اجتماعی بختیار» بود و استاد راهنما، صادق زیباکلام، اما مسوولان وقت دانشکده علوم سیاسی و تعدادی از اساتید مشاور که خط فکری آنها به شدت حکومتی بود به بهانه‌ی مختلف چند سالی بود اجازه دفاع به او نمی‌دادند. بابک ابراهیمی سرانجام عنوان آن را تغییر داد و به «دلایل ناکامی جریان لیبرال دموکراسی در ایران معاصر: بررسی زندگی شاپور بختیار» تبدیل کرد. ابراهیم یزدی به عنوان اولین وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران در کنار منوچهر متکی، وزیر خارجه دولت احمدی‌نژاد، هم حضور داشتند و صحبت‌های یزدی و دفاع زیباکلام به درگیری لفظی میان استاد راهنما و مشاورین و داورها انجامید و در نهایت زیباکلام گفت: «اساتید مشاور با بغض و کینه زائدالوصفی سعی در تخطئه

● **دختر ابراهیم یزدی به خبرنگار کیهان لندن گفت که منتظر جواب سفارت ایران در آنکارا برای انتقال جسد پدرش به تهران هستند.**

● **علیرضا نوریزاده در گفتگو با کیهان لندن: برخورد ابراهیم یزدی در دادگاه تیمسار رحیمی باعث شد او تا آخر عمر در ذهن عموم مردم و سیاستمداران بی‌اعتبار باشد.**

● **«هم خمینی و هم خامنه‌ای ملاحظه‌ی او را کردند و گذاشتند زنده بماند».**

ابراهیم یزدی دبیر کل «نهضت آزادی ایران» و وزیر خارجه دولت مهدی بازرگان شامگاه یک‌شنبه پنجم شهریور در سن ۸۶ سالگی در ازبیر ترکیه درگذشت. او چند سالی بود که به بیماری سرطان لوزالمعده دچار شده بود. ژانویه سال ۲۰۱۷ از آمریکا برای انجام مراحل درمانی تقاضای ویزا کرد و دو هفته در آنکارا منتظر جواب ویزای سفارت آمریکا بود که با آن موافقت نشد و در نهایت چون دخترش، لیلی، ساکن ازبیر بود، به بیمارستان تخصصی این شهر منتقل شد و مورد عمل جراحی قرار گرفت. ابراهیم یزدی بعد از درگذشت مهدی بازرگان در سال ۱۳۷۳ به عنوان دبیر کل «نهضت آزادی ایران» انتخاب شد، اما در سال‌های واپسین زندگی خود به دلیل کهنوت و بیماری ترجیح می‌داد خانه‌نشین و از جلسات و نشست‌های سیاسی دور باشد و معدود جلساتی که ملی - مذهبی‌ها مثل محمد توسلی، هاشم صباغیان و اعظم طالقانی به مناسبت‌هایی می‌گرفتند شرکت می‌کرد. یزدی که خود از بنیانگذاران جمهوری اسلامی بود، بارها توسط وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه به دلیل انتقادهایش از نظام جمهوری اسلامی به زندان افتاد و یا تحت فشار قرار گرفت و تهدید شد با این حال همچنان از اساس نظام حمایت می‌کرد تا آنجا که در سال ۱۳۸۴ کاندیدای ریاست جمهوری نیز شد، اما شورای نگهبان او را صلاحیت‌ناقص و او را که مترجم سخنان روح‌الله خمینی و یکی از رابطان وی با سیاستمداران

زنان شاخص

ژینوس نعمت محمودی (۱۳۶۰ - ۱۳۰۸)



ژینوس نعمت محمودی بنیانگذار هوشناسی در ایران و تهیه کننده اطلس جغرافیایی ایران بود. ژینوس محمودی در سال ۱۳۰۸ در تهران به دنیا آمد. مادرش کمالیه اجزاچی معلم مدرسه تربیت دختران و پدرش جناب نعمت بنیانگذار گراورسازی در ایران بود. وی عضو محفل ملی بهائیان ایران بود.

چگونه برای کودکان اسمی مناسب انتخاب کنیم؟

یکی از مسئولیت های بزرگ والدین، نامگذاری فرزندان می باشد. باید این کار را با حوصله انجام دهید تا اسمی مناسب برای فرزندان خود انتخاب کنید که در این امر هم باید همه جوانب را در نظر بگیرید تا اسمی که انتخاب می کنید در تمام عمر او کاربرد داشته باشد و مایه مسخره دیگران نشود. نامگذاری فرزندان مسئولیتی بزرگ است. اگر در این کار زیادی مبالغه کنید و نامی عجیب و غریب بپوشانید، ریسک مسخره شدن در میان همسالان و آزار و سبب در مدرسه را بالا می برید و آسیب افزایش خشم کودک نسبت به خود می شوید. اگر هم خیلی منعطف رفتار کنید و نامی معمولی و بی سسمی را بپوشانید، او هرگز از دیگران متمایز نمی شود و احساس خاص بودن نمی کند.

افراد مشهور و هنرمندان در زمینه نامگذاری فرزندان نشان زیاددوری می کنند، در حالی که اکثر ما ترجیح می دهیم در این زمینه بسیار محتاطانه عمل کنیم. سال گذشته پروفیسور آدم گالیسنکی و مایکل اسلفین از دانشکده اقتصاد دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک نتایج پژوهشی را منتشر کردند که نشان می داد نام یک کودک می تواند یکبار اتصالی فوری به یک جنسیت خاص ایجاد کند و متعاقباً الگویی آشنایی از قضاوت های کلیشه ای در مورد هویت و منافع فرد را تحریک کند. زمانی که از اسلفین در مورد یافته های علمی که در پشت چنین نتیجه گیری وجود دارد، پرسیده شد او چنین پاسخ داد: «ما کشف کردیم که نامها می توانند تلفظی نرم یا سخت داشته باشند. بعضی از اسمی که بدون ارتعاش تارهای صوتی تلفظ می شوند، آدیشان نفگیر است. در نتیجه مردم تمایل دارند این اسمی را به زنانه بودن کلیشه ای، لطافت و حساسیت مرتبط سازند.»

او ادامه داد: «برعکس، نامهایی که با لرزش تارهای صوتی تلفظ می شوند، روان تر و محکم تر بیان می شوند و مردم این اسمی را با مردانگی، استحکام و سختی در ارتباط قرار می دهند. یافته های ما شواهد مستمیری ارائه می کند مبنی بر این که اسمی سخت تر که هنگام تلفظشان تارهای صوتی لرزیده می شود مانند جیمز بیشتر بر نوزادان پسر داده می شود و نام های بی صدا که بدون لرزاندن تارهای صوتی تلفظ می شوند، مانند سارا اغلب بر نوزادان دختر اطلاق می شود.» اسلفین توضیح می دهد که این تقسیم جنسیتی به آن معنی است که نام های خاص متناسب با دسته های جنسیتی کلیشه ای هستند و البته برخی از نام های هر



خطرات ضربان قلب اضافه

تحقیقات نشان می دهد میزان تپش قلب شما می تواند گویای این مسئله باشد که آیا زود می میرید یا نه. ضربان قلب اکثر مردم بین ۶۰ تا ۱۰۰ ضربه در دقیقه بوده اما ضربان قلب ورزشکاران حرفه ای حدود ۴۰ است. با این حال آن دسته از افرادی که ضربان قلبشان بیش از ۸۰ ضربه در دقیقه است نسبت به افرادی که ضربان قلبشان بین ۶۰ تا ۸۰ در دقیقه است حدود ۴۵ درصد خطر مرگ و میر در آنها بیشتر گزارش شده است. ارتباط بین ضربان قلب سریع تر و مرگ زودهنگام در همه افراد بسیار شایع است و صرفاً مختص افرادی نیست که عوامل خطرزا مانند مشکلات قلبی آنها را تهدید می کند. دکتر دانگن خود، بیشتر به ضربان قلب خود توجه داشته باشند و این میان، میزان فعالیت های فیزیکی آنها برای کاهش ضربان قلب اهمیت زیادی دارد. در همین ارتباط، آنها ۴۶ مورد تحقیقاتی را در ۱.۲ میلیون بیمار و ۷۸۳۴۹ مورد مرگ در بین آنها به دلایل مختلف مورد بررسی قرار دادند. از طرفی ۸۴۸۳۲۰ بیمار و ۲۵۸۰۰ مورد مرگ به خاطر ناراحتی قلبی را هم سنجیدند. آنها توانستند بین میزان بالای ضربان قلب و مرگ و میر ارتباطی پیدا کنند. به ویژه اینکه آنها متوجه شدند خطر مرگ به دلایل مختلف به ازای هر ۱۰ ضربه قلب در دقیقه، ۹ درصد افزایش می یابد. خطر مرگ و میر به خاطر بیماری های قلبی عروقی هم به ازای هر ۱۰ ضربه قلب در دقیقه تا ۸ درصد

بیشتر می شود. با وجود برخی متابولیسم های خاص در بدنشان لازم است تا در هم و برهم بودن به فرد دست دهد یا تلفظش برای دیگران مشکل باشد. نامی کوتاه و ساده را برگزینید. با شنیدن یک نام نباید احساس ازدحام و درهم و برهم بودن به فرد دست دهد یا تلفظش برای دیگران مشکل باشد. ۲. به همراهی نام با نام خانوادگی و خوشخوان بودنشان در کنار یکدیگر توجه کنید به یاد داشته باشید که در موقعیت های مختلف مانند مدرسه، محل کار و حتی هنگام ازدواج، خوانده شدن نامش در کنار نام خانوادگی خوش آهنگ باشد. ۳. نامی برگزینید که با میراث فرهنگی خانواده تان همخوانی داشته باشد



زن روز



لعبت والا

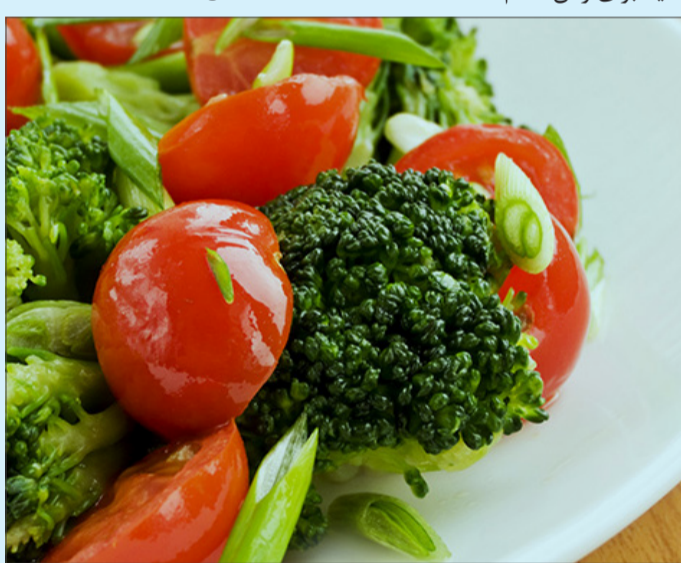
چه شد ای دوست که یاد دل ما کردی باز دل از جور چه دیدی که وفا کردی باز چون گل تازه به یک خنده ی مستانه ی خویش بس کدورت که مبدل به صفا کردی باز دیگر ای آهوی وحشی تو به راه آمده ای با بدین رهگذر از راه خطا کردی باز دل شیدا به کمند سر گیسویت بند زلف آشفتی و دیوانه رها کردی باز در دل سرد که افسرده ماتمکده بود به نگه آتش سوزنده به پا کردی باز لعبت از رنجش شب هجر ننالد دیگر به یک بوسه تو این درد دوا کردی باز

۹ ماده خوراکی مفید برای سلامت بانوان

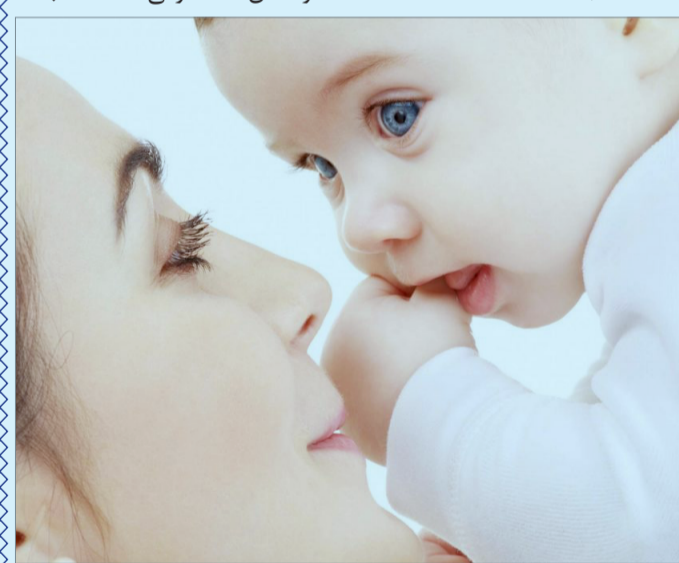
همه انگ می شود. آن را می توانید کمی تفت هم بدهید یا به شکل دلمه درآورید. برای جلوگیری از سرطان تخمدان شما باید حداقل دو بار در هفته نصف فنجان کاهو چینی را در برنامه غذایی خود وارد کنید. **گوجه فرنگی**: مطالعه ای که روی ۱۳ هزار زن در کالیفرنیا انجام شده نشان داده که خوردن نصف فنجان گوجه فرنگی، پنج بار یا بیشتر در هفته خطر ابتلا به سرطان تخمدان را در آنها تا ۶۰ درصد کاهش داده است. علت آن وجود ماده ای به نام لیکوپن در گوجه فرنگی است. روش طبخ می تواند تا حد زیادی روی مقدار جذب لیکوپن تاثیر بگذارد. بهترین روش پخت برای جذب لیکوپن حرارت دادن گوجه به مدت ۲۰ دقیقه در درجه ملایم است.

حفظ تعادل هورمون ها با غذاهای مفید برای زنان
از مجموع علائم دردهای قبل از دروه ماهانه، باید با خوردن غذاهای مفید برای زنان در طی نیمه دوم دوره مراقبت کرد. به طوری که در هیچ یک از وعده های غذایی کالری مصرفی فراموش نشود. به مقدار فراوانی از میوه های تازه مخصوصاً مرکبات و سبزیجات بخورید. کسانی که از مجموع علائم قبل از دوره ماهانه رنج می برند میزان منیزیم آنها از حد متوسط کمتر است. از روغن های طبیعی مانند زیتون و روغن آفتاب گردان و همچنین آجیل، تخمه ها، آوآکادو و ماهی تازه مصرف کنید.

غذاهای مفید برای افزایش میل جنسی خانم ها
مطالعات متعدد نشان داده اند که بر روی احساسات جنسی ما تاثیر بگذارند. بر اساس مطالعه ای که در آمریکا انجام شده است، کمبود اسید فولیک (یکی از ویتامین های گروه B) تمایل به برقراری رابطه جنسی را کاهش می دهد. این نکته به ویژه در میان خانم ها مشاهده شده است زیرا اغلب آنها به میزان کافی ویتامین های گروه B را دریافت نمی کنند. اسید فولیک که با نام فولات یا ویتامین B9 نیز شناخته می شود در حیوانات به ویژه عدس، سویا، غلات سبوس دار و سبزیجات سبز تیره مانند اسفناج، جعفری، کلم بروکلی، نخود فرنگی و مارچوبه یافت می شود. یکی دیگر از غذاهای مفید برای افزایش میل جنسی خانم ها، ماده معدنی آهن است. فقر آهن و کم خون ناشی از آن، خلق و خوی زنان را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد و موجب کاهش تمایلات جنسی آنها می شود. جگر و انواع گوشت ها به ویژه گوشت قرمز، حیوانات، سبزیجات سبز و زرده تخم مرغ منابع غنی آهن به شمار می روند.



یک سوم از تمام سرطان ها با روش تغذیه ارتباط دارند. چند دهه است که دانشمندان بر غذاهایی که خطر ابتلا به سرطان را کاهش می دهند مطالعه می کنند. شواهدی وجود دارد که این غذاهای مفید برای زنان می توانند ریسک ابتلا به این سرطان خطرناک را در شما کاهش دهند. **ماهی**: ماهی یکی از غذاهای مفید برای زنان است. مجموعه ای از مطالعات انجام شده در ایتالیا نشان می دهد خوردن ماهی خطر ابتلا به سرطان تخمدان را تا ۳۰ درصد کاهش می دهد. نوع ماهی واقعا مهم نیست. اسیدهای چرب امگا ۳ که در تمام ماهی ها موجود است علاوه بر اینکه برای قلب مفید است و می تواند از سکتته مغزی جلوگیری کند، در برابر سرطان ها هم از شما محافظت می کند. بهترین روش طبخ ماهی، بخارپز و کباب کردن آن است. بهتر **کاهو چینی**: این کاهو را می توانید در سالاد استفاده کنید. طعم ملایمی دارد و به راحتی با سبزیجات دیگر



نام فرزند شما باید با پیشینه تاریخی خانوادگی تان همخوانی داشته باشد. ۴. در انتخاب تان به نام خواهر و برادرهای بالقوه یا بالفعل نوزاد توجه کنید ۵. دنبال اسم های تصادفی یا علامت های تجاری نگردید در نظر داشته باشید هر نامی که به اسم شخصی تعلق ندارد و بیشتر به عنوان نام شرکت یا علامت تجاری برگزیده شده اند به هیچ وجه نام مناسبی برای فرزند شما نخواهد بود. ۶. به یاد داشته باشید فرزندان تان همیشه کودک نمی ماند نباید از اسم های کودکانه که بسیار شیرین و بامزه هستند برای نامگذاری فرزندان تان استفاده کنید، چرا که او در سنین بالا با مشکلات اسمش همواره درگیر خواهد بود. ۷. اگر کوچک ترین شکی دارید، نامی دیگر انتخاب کنید باید در مورد نام انتخابی خود احساس خوبی داشته باشید، اگر نسبت به آن شک دارید مطمئن باشید که فرزندان تان نیز همین گونه خواهد بود

امروزه، متخصصان تغذیه بر این عقیده هستند که پنج ماده غذایی کلم بروکلی، پیاز، کلم پیچ، انواع آجیل و ماهی سالمون با تأمین مواد مغذی ای مانند آهن، کلسیم، منیزیم، ویتامین D، اسید فولیک، ویتامین K و اسید چرب امگا ۳ در تأمین سلامت بانوان موثر هستند. در ادامه به معرفی تعدادی از غذاهای مفید برای زنان می پردازیم. **کلم بروکلی**: کلم بروکلی یکی دیگر از غذاهای مفید برای زنان با دارا بودن آنزیم های خنثی کننده سموم بدن که منجر به ایجاد سرطان میشوند دفع می کند و در پیشگیری از سرطان سینه و رحم موثر است. همچنین کلم بروکلی به دلیل دارا بودن مقادیر بالایی از اسید فولیک می تواند از تولد نوزاد با نواقص لوله عصبی در مادران باردار جلوگیری نماید. طبق تحقیقات جدید مصرف مناسب کلم بروکلی از تنش های عصبی و ورم در دوران قاعدگی در خانم ها می کاهد. **پیاز**: ماده غذایی مفید دیگری برای بانوان است که تحقیقات علمی

مردان شاخص



سیداحمد کسروی (۱۲۶۹ - ۱۳۲۴)

سیداحمد حکیم‌آبادی، که بعدها نام خانوادگی کسروی را برگزید، تاریخ‌نگار، زبان‌شناس، پژوهشگر، حقوق‌دان و اندیشمند ایرانی بود. وی استاد ملی‌گرای رشته حقوق در دانشگاه تهران و وکیل دعاوی در تهران بود. احمد کسروی در حوزه‌های مختلفی هم‌چون تاریخ، زبان‌شناسی، ادبیات، علوم دینی، روزنامه‌نگاری، وکالت، قضاوت و سیاست فعالیت داشت. وی بنیان‌گذار جنبشی سیاسی-اجتماعی با هدف ساختن یک «هویت ایرانی سکولار» در جامعه ایران، موسوم به جنبش «پاک‌دینی» بود که در دوره‌ای از حکومت پهلوی شکل گرفت. احمد کسروی خواستار مبارزه با «واپس‌ماندگی فکری و علمی» و روشن‌گری در تمامی وجوه زندگی بود. وی از آنچه «وضع زندگی، خرافه‌گرایی و آداب اجتماعی» مردم ایران می‌دانست انتقاد داشت؛ موضع‌گیری‌های احمد کسروی در برابر کیش‌های رایج و نهادهای مذهبی و اخلاقی و مسلک‌ها

و ارزش‌های سنتی و فرهنگی و تاختن او به باورهای دینی و فرهنگی از تشیع و بهائیت گرفته تا شعرهای حافظ و سعدی، از جمله مواردی بود که مخالفت‌های بسیاری را علیه او برانگیخت. آثار احمد کسروی بالغ بر ۷۰ جلد کتاب به زبان‌های فارسی و عربی است. احمد کسروی در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ و در سن ۵۵ سالگی، در اتاق بازپرسی ساختمان کاخ دادگستری تهران به ضرب «گلوله» و ۲۷ ضربه چاقو توسط سازمان تروریستی «فدائیان اسلام»، ترور شد.



فواید مواد معدنی برای بدن

مواد معدنی از جمله مواد لازم برای بدن هستند که کمبود آن‌ها می‌تواند شما را با مشکلات جبران‌ناپذیری رو به رو کند. در این مطلب شما را با مواد معدنی لازم برای بدن و فواید آن‌ها آشنا خواهیم کرد: **آهن:** یک ماده معدنی است که در تولید هموگلوبین نقش دارد. کمبود آهن می‌تواند سبب انمی فقر آهن شود که در این حالت اکسیژن کافی به مغز نمیرسد و خستگی و عملکرد ناقص مغزی ایجاد میشود. همچنین کمبود آهن در دوره نئوناتال سبب تغییر میلناسیون و آسیب به نفوذ پذیری مغز می‌شود. **منیزیم:** علاوه بر نقشی که در استحکام استخوان دارد در انتقال ایمپالس‌های عصبی هم نقش دارد. منابع غذایی حاوی این ماده شامل حبوبات، اجیل، غلات، سبزیجات، با رنگ سبز تیره می‌باشند. **منگنز:** در متابولیسم کربوهیدرات‌ها و عملکرد مغز دخیل است. منابع غذایی حاوی این ماده شامل: غلات کامل حبوبات اجیل می‌باشد. **مس:** در متابولیسم آهن و عملکرد مغز نقش دارد. کمبود مس می‌تواند سبب کم‌خونی اختلال در پاسخ سیستم ایمنی تغییر در گیرنده‌های شیمیایی و کاهش سطح نوروترنسمیترها شود. منابع غذایی حاوی این ماده شامل: گوشت و جگر شکلات غلات و میوه جات خشک می‌باشد. **روی:** نقش مهمی در حفظ غشای سلولی و محافظت سلول‌ها دارد. منابع غذایی حاوی این ماده شامل: گوشت ماهی مایکان شیر و لبنیات جگر غلات کامل می‌باشد. **سلنیوم:** برای سنتز برخی هورمون‌ها و جلوگیری از آسیب سلولی مفید است. منابع غذایی حاوی این ماده شامل: غذاهای دریایی کلیه جگر و گوشت می‌باشد.



مرد روز



شهریار

هیچ آفریده‌ئی به جمال فریده نیست این لطف و این عفاف به هیچ آفریده نیست آن سروناز هم که به باغ ارم در است فرد و فرید هست و لیکن فریده نیست نرگس دریده چشم به دیدار او ولی دیدار آفتاب به چشم دریده نیست در بزم او که خفته فرو پلک چشمها غیر از دل تبیده و رنگ پریده نیست هر آهویی به هر چمنی می‌چرد ولی آن آهویی که در چمن او چریده نیست زلفش بریده رشته پیوند دل ولی خود رشته‌ای که دل دمی از وی بریده نیست از شهریار غیر گناه مجردی یک نقطه سیاه دگر در جریده نیست

ریزش مو و طاسی در مردان

معمولا ریزش مو در مردان از سن جوانی آغاز می‌شود و کم‌پشت شدن موها در این سنین یکی از دغدغه‌های مردان است به همین دلیل آگاهی از روش‌های مراقبت از مو و جلوگیری از ریزش مو در مردان بسیار مهم است. هنگامی که قصد دارید موهایتان از ظاهر زیباتری برخوردار باشند، زمان زیادی را جلوی آینه سپری می‌کنید و با شانه و برس و گاهی اوقات محصولات مانده زل مو به جان آنها می‌افزید. مشخص شده است که رسیدگی بیش از اندازه می‌تواند به ریزش موها منجر شود. بنابر گزارش نشریه Men's Journal، ریزش مو برای حدود ۵۰ درصد از مردان رخ می‌دهد که به ویژه در میان مردان ۵۰ ساله یا مسن‌تر مشهودتر است. بر پایه این گزارش مردان معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته نخست افرادی هستند که هر کاری برای نجات رشته‌های موی خود انجام می‌دهند و دسته دیگر افرادی هستند که سرنوشت خود را می‌پذیرند. در هر صورت، ریزش مو و مشاهده عقب نشینی خط رویش موها برای مردی ناخوشایند است. در ادامه با برخی حقایق جالب توجه در مورد طاسی مردان بیشتر آشنا می‌شویم.

به گفته علم، مردان طاس جذاب‌تر هستند
این مساله در اوایل سال ۲۰۱۶ مطرح شد و برای افرادی که با روند ریزش مو و طاسی مواجه هستند می‌تواند خبر خوبی محسوب شود.



مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۶ انجام شد، مدعی بود که مردان طاس از حالتی مردانه‌تر، قدرتمندتر، و مسلط‌تر نسبت به هم‌تایان مودار خود برخوردار هستند. پس به جای مقابله با ریزش مو می‌توانید این موضوع را پذیرفته و باقی موهای خود را نیز بتراشید.



نکاتی درباره خانه سالمندان

سر بزیند تا سالمند کمتر احساس دلتنگی و ناامیدی کند. سالمندانی که امید به خارج شدن از خانه سالمندان را دارند با دیدن فرزندان امید دوباره گرفته و با روحیه‌ای بهتر با بیماری‌ها مبارزه می‌کنند.

مرسوم است که سالمند در شرایط ویژه‌ای که نیاز به مراقبت خاص دارد به خانه سالمندان می‌رود و بعد که مشکلی حل شد به خانواده بر می‌گردد که این حالت تقریباً در ایران وجود ندارد.

نگهداری سالمند در خانه

حال اگر وضعیت جسمی سالمند شما آنقدر نامساعد نیست که نتوانید از او در منزل نگهداری کنید و فقط نیاز سالمند شما به یک مراقب می‌باشد که در امور کارهای روزمره به سالمند خدمات رسانی کند می‌توانید برای سالمند خود پرستار بگیرید.

در صورتی که می‌خواهید از سالمند در خانه نگهداری کنید باید به ویژگی‌هایی در منزل خود توجه داشته باشید.

از آسانسور به جای پله استفاده کنید

سالمندانی که دچار پادرد، آرتروز و زانو درد هستند نمی‌توانند به راحتی از پله بالا و پایین بروند. بهتر است منزل سالمندان در طبقه اول بدون پله باشد و یا دارای آسانسور باشد.

بهداشتی استفاده شوی بهداشتی مناسب برای سرویس حمام منزل سالمند باید کاشی‌های عاج دار داشته باشد تا سالمند در حمام لیز نخورد. هم چنین باید سالمندان از دم‌پایی‌های مخصوص استفاده کنند تا زمین نخورند.

استفاده شوی بهداشتی مناسب برای سرویس حمام منزل سالمند باید کاشی‌های عاج دار داشته باشد تا سالمند در حمام لیز نخورد. هم چنین باید سالمندان از دم‌پایی‌های مخصوص استفاده کنند تا زمین نخورند.

استفاده شوی بهداشتی مناسب برای سرویس حمام منزل سالمند باید کاشی‌های عاج دار داشته باشد تا سالمند در حمام لیز نخورد. هم چنین باید سالمندان از دم‌پایی‌های مخصوص استفاده کنند تا زمین نخورند.

در بسیاری از خانه‌های قدیمی توالت فرنگی وجود ندارد و سالمند با استفاده از سرویس بهداشتی قدیمی به زانوهایش آسیب می‌زند.

در اتاق خواب سالمند نور کافی باشد

اتاق خواب سالمند نباید خیلی تاریک باشد و روشنایی کمی داشته باشد. تخت سالمند را در نزدیکی کلید برق قرار دهید تا به راحتی چراغ را روشن کند.

دستگیره‌های کافی در منزل سالمند باشد

در منزل سالمند، جاهایی که تردد دارد مانند دستشویی، راه پله و حمام باید دستگیره‌هایی را نصب کنید. با وجود دستگیره‌ها سالمند هنگام بلند شدن و نشستن تعادل خود را حفظ می‌کند و با مشکلی مواجه نمی‌شود.

آپارتمان برای سالمندان بهتر است

زندگی سالمندان در خانه بزرگ و ویلایی ایمنی و امنیت لازم را ندارد. هر چند بسیاری از سالمندان در خانه‌های بزرگ و ویلایی زندگی می‌کنند و رفتن به آپارتمان برای آنها سخت است. یک آپارتمان مجهز به آسانسور برای سالمندان خیلی خوب است.

مزایای خانه سالمندان

خانه سالمندان آنطور که به نظر می‌رسد مکان نامناسبی برای سالمندان نخواهد بود. خانه سالمندان مرکزی است که در آنجا پرستاران و پزشکان شبانه روز سالمند شما را تحت نظر دارند و در صورت بروز هرگونه مشکل جدی با فوریت‌های پزشکی بهترین خدمات را به سالمند بیمار می‌رسانند.

سالمندان در این مراکز با همسن و سالان خود در ارتباط می‌باشند. البته هیچ کس نمی‌تواند جای فرزند را برای سالمندان پر کند اما معاشرت با کسانی که همسن، همصفت و همدرد برای سالمند باشد خود یک



به لحاظ فیزیکی، به لحاظ مراقب و خدماتی که ارائه می‌شود استانداردهای مشخصی وجود دارد که این استانداردها هم باید بر طبق اصول باشد. مهم‌ترین این استانداردها فضای مناسب، تعداد مراقب کافی و تغذیه مناسب، فعالیت جسمی و ذهنی کافی سالمند است و باید توجه داشت که در این خانه سالمندان ارتباطات اجتماعی سالمند با خانه و جامعه قطع نمی‌شود.

مزایا و معایب خانه سالمندان

اگرچه ترجیح سالمندان و خانواده‌ها این است که سالمند را در خانه نگهداری کنند ولی همیشه این بهترین انتخاب نیست. به عنوان مثال در فردی که بیماری آلزایمر خیلی پیشرفته شده دارد، یا فرد سالمندی که تنها زندگی می‌کند و کسی نیست که از او نگهداری کند، بهترین مکان خانه نیست، بلکه بهتر است که او به خانه سالمندان برود. خیلی‌ها فکر می‌کنند که اگر به سرای سالمندان بروند نمی‌توانند دیگر از آن جا برگردند ولی در دنیا

دوران رسیدگی بیش از اندازه می‌تواند عامل ریزش مو باشد

هنگامی که قصد دارید موهایتان از ظاهر زیباتری برخوردار باشند، زمان زیادی را جلوی آینه سپری می‌کنید و با شانه و برس و گاهی اوقات محصولات مانده زل مو به جان آنها می‌افزید. مشخص شده است که رسیدگی بیش از اندازه می‌تواند به ریزش موها منجر شود. شانه کردن یا برس زدن بیش از حد سخت موها استرس فیزیکی فراوانی را به فیبر مو وارد می‌کند و می‌تواند به پوست سر آسیب برساند. این مساله به ویژه زمانی که موها خیس هستند و آنها را

استانداردهای خانه سالمندان

به لحاظ فیزیکی، به لحاظ مراقب و خدماتی که ارائه می‌شود استانداردهای مشخصی وجود دارد که این استانداردها هم باید بر طبق اصول باشد. مهم‌ترین این استانداردها فضای مناسب، تعداد مراقب کافی و تغذیه مناسب، فعالیت جسمی و ذهنی کافی سالمند است و باید توجه داشت که در این خانه سالمندان ارتباطات اجتماعی سالمند با خانه و جامعه قطع نمی‌شود.

مزایا و معایب خانه سالمندان

اگرچه ترجیح سالمندان و خانواده‌ها این است که سالمند را در خانه نگهداری کنند ولی همیشه این بهترین انتخاب نیست. به عنوان مثال در فردی که بیماری آلزایمر خیلی پیشرفته شده دارد، یا فرد سالمندی که تنها زندگی می‌کند و کسی نیست که از او نگهداری کند، بهترین مکان خانه نیست، بلکه بهتر است که او به خانه سالمندان برود. خیلی‌ها فکر می‌کنند که اگر به سرای سالمندان بروند نمی‌توانند دیگر از آن جا برگردند ولی در دنیا

شانه می‌زنید درست است و به بیش از حد کشیده شدن مو منجر می‌شود. **احتمالاً همین الان در حال از دست دادن مو هستید**
بنابر گزارش‌های منتشر شده، ۵۰ درصد موی سر یک مرد پیش از آن که قابل ملاحظه باشد، می‌ریزد. در نتیجه، ممکن است زمانی به فکر اقدام‌های محافظتی و پیشگیرانه افتاده باشید که دیگر خیلی دیر شده است. خبر خوب این است که اگر ریزش مو تدریجی باشد یک شبه از حالت کمی طاس به طاسی کامل نمی‌رسید.

تراشیدن موهای سر تأثیری در رشد موی بیشتر ندارد

بسیاری بر این باورند که تراشیدن منظم موهای سر این امکان را فراهم می‌کند تا بار دیگر موها قوی‌تر و ضخیم‌تر از گذشته رشد کنند. اما رشد موهای ضخیم‌تر پس از تراشیدن آنها ممکن است یک خطای دید باشد. با رشد موی جدید، تار مو قابل ملاحظه‌تر خواهد شد زیرا در مقایسه با نوک مخروطی معمولی مواز نوک ضخیم‌تری پس از تراشیدن برخوردار است.

ایران صفر - کره جنوبی صفر؛

دروازه ایران به روی کره بسته باقی ماند



تیم فوتبال کره جنوبی روز پنجشنبه این هفته در دیداری که برای آنها جنبه مرگ و زندگی داشت باز موفق به شکست تیم ایران حتی در خاک خود نشدند و مانند ۶ سال گذشته ناکام از زمین بیرون رفتند و دروازه ایران مقابل کره همچنان بسته باقی ماند.

نتیجه مساوی این بازی بر حضور ایران در بازی‌های جام جهانی روسیه ۲۰۱۸ اثر نمی‌گذارد چون ایران پیش از این مجوز حضور در این بازی‌ها را دریافت کرده است، اما نتیجه این مسابقه بر دیگر تیم‌های گروه اول رقابت‌های مقدماتی جام جهانی منطقه آسیا تاثیر خواهد گذاشت.

در نیمه نخست بازی گاهی کره و دقایقی ایران توپ و زمین را در اختیار داشتند. این نیمه بدون رد و بدل گل پایان یافت. در نیمه دوم، حملات متناوب تیم کره تهدید چندانی بر روی دروازه ایران نبود.

در این نیمه، داور سعید عزت‌اللهی را به دلیل خطا روی بازیکن حریف از زمین اخراج کرد اما ایران نبرد را تا پایان ۹۰ دقیقه بدون باز شدن دروازه‌اش اداره کرد.

برای ایران در این مسابقه، احسان حاج صفی، میلاد محمدی، سعید عزت‌اللهی، مرتضی پور علی گنجی، وحید امیری، روزبه چشمی، محمد انصاری، رضا قوچان نژاد، علی کریمی، علیرضا جهانبخش، اشکان دژآگه، مهدی طارمی و رامین رضاییان بازی کردند. در پایان دیدار ایران و کره، کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی ایران به خبرنگاران گفت: امروز شاهد یک نبرد جانانه نبودیم اما یک فوتبال زیبا تماشا کردیم. این بازی حتی مرا هم

به دویدن واداشت. او گفت: امروز چند یار جوان در تیم ایران بود، یکی دو نفر هم برای نخستین بار در تیم ملی بازی کردند. ضمناً تیم ما منسجم بود و وقتی یک بازیکن اخراج شد، سایر بازیکنان وظیفه خود را به خوبی انجام دادند. کیروش گفت امیدوارم در مقابل سوریه در تهران بهتر از بازی رفت ظاهر شویم چون در دیدار با سوریه زمین مانند باتلاق بود.

مسابقات تنیس آزاد آمریکا:

فدر و شاراپوا به دور سوم رسیدند



کارولین وژنیاک



ماریا شاراپوا

اعتراض وژنیاک به بازی شاراپوا در زمین آرتور اش

در چهارمین روز بازی‌های تنیس آزاد آمریکا، ماریا شاراپوا با پیروزی بر بابوس تنیس‌باز مجارستانی به دور سوم این تورنمنت راه یافت.

مسئولان مسابقات یو اس اوپن به دلیل آنکه شاراپوا از پرفرمدترین تنیس‌بازان حاضر در این رقابت‌هاست و تماشاچیان زیادی برای دیدن بازی‌های او به استادبوم می‌روند، هر دو مسابقه وی را در زمین مرکزی فلاشین مدو که به اسم آرتور اش تنیس‌باز مشهور و درگذشته‌ی آمریکایی نام‌گذاری شده برگزار کردند. اما این کار با اعتراض شدید کارولین وژنیاک تنیس‌باز لهستانی تبار مقیم دانمارک روبرو شد. وژنیاک که خود مدت‌ها نفر اول تنیس جهان بود گفته است نباید به کسی که به دلیل مصرف مواد نپروا مدتی طولانی از ورزش محروم بوده و در عین حال به دلیل دوری از مسابقات به رده‌های پایین سقوط کرده اجازه داد در ورزشگاهی بازی کند که همیشه میزبان ستارگان بزرگ تنیس جهان است.

در این میان برخی عقیده دارند علت مخالفت وژنیاک با بازی شاراپوا در زمین مرکزی فلاشین

مدو به حذف شدن او در دور اول این رقابت‌ها بی‌ارتباط نیست و در واقع نوعی «حسادت زنانه» میان این دو رقیب قدیمی که هر دو زاده کشورهای کمونیستی سابق و مقیم ممالک غربی هستند وجود دارد. ضمن آنکه وژنیاک در روز اول این تورنمنت به رقیب خود باخت و حذف شد. گفتنی است که وژنیاک مدتی طولانی دوست دختر روری مک لوری، قهرمان ایرلندی گلف جهان بود و حتی کارت

دعوت مراسم ازدواج آنها نیز میان دوستان و بستگان از جمله گروهی از تنیس‌بازان و گلف بازان توزیع شده بود. اما یک روز مانده به حضور آن دو در کلیسا به دلیلی که هرگز اعلام نشد عروسی بهم خورد.

در چهارمین روز رقابت‌های یو اس اوپن ۲۰۱۷، دل پوترو، تنیس‌باز آرژانتینی و تیم تنیس‌باز اتریشی حریفان خود را مغلوب کردند. دولگو پولوف اکرانینی، توماس بردیچ از جمهوری چک را شکست داد.

ظاهرا یک خانم سر مربی تیم ملی است، اما رسماً یک آقا!



اتفاقی که در کار نتیجه‌ای جز در جا زدن تیم والیبال دختران نداشته است. وی یاد آور شده: علت اینکه از مربی‌گری تیم ملی کناره‌گیری کردم این بود مردانی که به کار والیبال خانم‌ها دخالت می‌کردند اطلاعاتشان از من کمتر بود. به داورزنی رییس فدراسیون هم گفتم آقایانی که به دلیل داشتن رابطه با مسئولان فدراسیون برای والیبال خانم‌ها تصمیم می‌گیرند، اطلاعات پایین‌تری نسبت به خانم‌ها در این ورزش دارند.

سرمربی پیشین تیم ملی دختران ادامه داده بانوان والیبالیست تقریباً همه دانشجو هستند و چون درس می‌خوانند پشتوانه مالی ندارند اما پسرها از سن ۱۳ سالگی به بعد به این ورزش رو می‌آورند و پشتیبانی مالی می‌شوند، چند سال در مدرسه روزه شده و سرانجام تحصیل را رها می‌کنند و تمام وقت والیبال بازی می‌کنند و برای همین است که اعضای تیم والیبال نوجوانان ایران که اخیراً قهرمان جهان شد در کلاس درجا می‌زنند در حالی که دخترها باید خوب درس بخوانند تا در کنکور قبول شوند. اما با پسرهایی که در رده نوجوانان بازی می‌کنند دو سال دیگر قرارداد ۸۰ میلیون تومانی امضا

می‌شود ولی از دخترهای والیبالیست حمایت مالی نمی‌شود.

من پیشنهاد کرده بودم بازیکنان نوجوان را از ۱۰-۱۲ سالگی به اردو ببریم تا ۱۶ سالگی روی آنها کار کنیم اما فدراسیون قبول نکرد و گفت این کار وظیفه استان‌هاست!

خانم یادآور تأکید کرده که فدراسیون فقط می‌خواهد بگوید تیم بانوان هم داریم. چندی قبل برای دخترها یک مربی خارجی به نام مایدا استخدام کردند وقتی به آنها گفتم این شخص برای تیم ملی خوب نیست باید از او در رده نوجوانان استفاده کرد، گفتند شما حسودی می‌کنید!

مربی پیشین تیم ملی والیبال زنان ایران: زنان برای فدراسیون والیبال مثل موش آزمایشگاهی هستند.

مربی پیشین تیم ملی والیبال زنان ایران که به دلیل بی‌توجهی فدراسیون به والیبال خانم‌ها و مردسالاری در این ورزش از سمت خود استعفا داده می‌گوید خانم‌های والیبالیست برای فدراسیون والیبال موش آزمایشگاهی هستند، مسئولان این ورزش فقط می‌خواهند بگویند تیم بانوان هم داریم.

پروین یادآور گفته پس از مسابقات قهرمانی بانوان آسیا، مدیران فدراسیون تصمیم گرفتند بازیکنان تیم ملی را کنار بگذارند و جوان‌گرایی کنند چون معتقد بودند اعضای تیم اعزامی کم‌کاری کرده‌اند. اما قضیه از این قرار است که قبل از رفتن تیم ملی به رقابت‌های آسیایی میان بازیکنان و کادر فنی اختلافاتی وجود داشته و اعضای کادر فنی با دخترها رفتار نامناسبی در اردوی تیم ملی داشته‌اند و اما مشکل اصلی اینجاست که فدراسیون در ظاهر خانمی را به عنوان سرمربی تیم ملی معین می‌کند ولی در عمل یک مربی مرد درباره تیم تصمیم می‌گیرد و

بازگشت پیروزمندان شاراپوا به گراند اسلم نیویورک



ماریا شاراپوا

ماریا شاراپوا تنیس‌باز ۳۰ ساله روس تبار ساکن میامی و برنده پنج گراند اسلم تنیس پس از ۱۵ ماه دوری از مسابقات حرفه‌ای به دلیل استفاده از مواد نپروزا، در دومین روز رقابت‌های تنیس گراند اسلم آزاد آمریکا «یو اس اوپن» در نیویورک با پیروزی بر سیمونا هالپ نفر دوم تنیس جهان از رومانی شگفتی آفرید. شاراپوا که در حال حاضر در رده ۱۴۶ زنان جهان قرار دارد و با وایلد کارت مجوز استثنایی در این تورنمنت حضور یافته هالپ را ۶ بر ۴، ۴ بر ۶ و ۶ بر ۳ شکست داد.

۲۴ هزار نفر در استادبوم فلاشین مدو بازی شاراپوا و هالپ را تماشا کردند. شاراپوا پس از پایان دوران محرومیت ۱۵ ماهه خود از فدراسیون تنیس فرانسه برای بازی در گراند اسلم رولان گاروس پاریس تقاضای وایلد کارت کرد اما فرانسوی‌ها با درخواست او مخالفت کردند ولی فدراسیون تنیس انگلیس به او اجازه

داد در مسابقات گراند اسلم ویملدون بازی کند که به دلیل عود کردن ناراحتی شانه، شانس حضور در این تورنمنت را که یک بار قهرمان آن شده بود از دست داد.

شاراپوا در سال ۲۰۰۶ جام قهرمانی مسابقات آزاد آمریکا را بالای سر برده بود. این نخستین حضور او در پایان محرومیت ۱۵ ماهه‌اش در یک گراند

اسلم تنیس بود. روز سه شنبه ونوس ویلیامز دیگر تنیس‌باز آمریکایی، کوزامو تنیس‌باز اهل اسلواکی را مغلوب کرد. موگا روزا قهرمان ویملدون ۲۰۱۷ از لیچنکو از آمریکا برد. کارولین وژنیاک نفر اول پیشین زنان جهان از دانمارک، بوزارنیکو تنیس‌باز اهل رومانی را مغلوب کرد.

منتظر هنرنمایی سامان قدوس مقابل کره جنوبی باشید



یان آندرسن سرمربی تیم ملی فوتبال سوئد به دنبال پیوستن سامان قدوس بازیکن تیم اوسترسوند به تیم ملی فوتبال ایران برای دیدار با کره جنوبی گفته است از اینکه سامان را از این پس در اختیار نداریم بسیار متأسفم اما در عین حال برای تیم ملی ایران که آماده حضور در بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه می‌شود خوشحالم چون سامان می‌تواند وزنه سنگینی مقابل حریفان ایران باشد و هواداران تیم ایران باید منتظر هنرنمایی‌های او باشند.

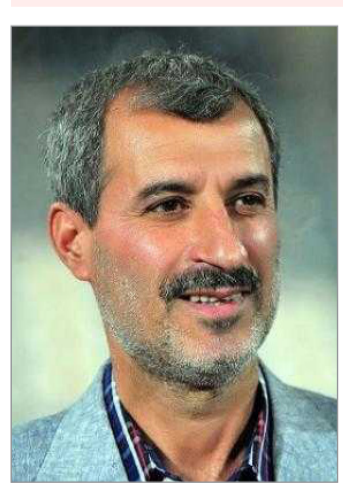
سامان قدوس ۲۴ سال دارد ، فوتبال را از ۱۷ سالگی در تیم‌های رده پایین سوئد شروع کرد، در سال

سرمربی تیم ملی سوئد: منتظر هنرنمایی سامان قدوس مقابل کره جنوبی باشید

کیروش: شجاعی در جام جهانی بازی خواهد کرد

کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی فوتبال ایران گفته است مسعود شجاعی و چند بار قدیمی دیگر تیم ملی از جمله آندرانیک تیموریان، منتظری و حیدری را کنار نگذاشته‌ام، آنها در جام جهانی روسیه در تیم ملی بازی خواهند کرد. وی گفته مسابقه با کره فرصت خوبی است که از یکی دو فوتبالیست شاغل در تیم‌های خارجی برای نخستین بار استفاده شود تا توانایی‌های آنها را محک بزنییم و به عنوان یاران تازه‌نفس از آنان در آینده استفاده کنیم. او اضافه کرده که ۲۷ بازیکن در اختیار تیم ملی قرار گرفته‌اند که همگی به‌درد خور و قابل هستند. یاد آور شده شجاعی به هیچ وجه از تیم ملی کنار گذاشته نشده و همچنان بازیکن این تیم است. برخی نشریات ایران در روزهای اخیر به دلیل عدم حضور شجاعی در فهرست بازیکنان تیم ملی مقابل کره جنوبی را عذرخواهی نکردن او به خاطر بازی مقابل مکلای اسرائیل دانسته‌اند. آنها نوشته‌اند چون حاج صفی در توپیتر خود از بازی در تیم پانائیسوس یونان برابر مکلای عذرخواهی کرده به وی اجازه بازی در تیم ملی داده شده است اما با توضیحات کیروش به نظر می‌رسد این ادعا درست نباشد.

بازی حاج صفی و شجاعی مقابل کره؛ کیروش سکوت کرد، مایلی کهن همه چیز را گفت



پدرش را در می‌آوردیم، اگر کسی ماشین‌اش ضبط صوت داشت ماشین او را می‌خواستیم، خودش را بازداشت می‌کردیم و شلاق می‌زدیم. چهل سال است ما از بابت حاضر نشدن ورزشکاران ایران مقابل ورزشکاران اسرائیل در میدان بین‌المللی لطمه خورده‌ایم. دیگر بس است.

کرده بود در پاسخ خبرنگارانی که نظر وی را در مورد شایعه ممنوعیت حرف زدن او و مهدی مهدوی کیا پس از دفاع از شجاعی و حاج صفی جویا شدند، گفت ما باید تکلیف خود را روشن کنیم که آیا تابع قوانین بین‌المللی هستیم یا نیستیم؟ وقتی هستیم باید به این قوانین احترام بگذاریم. باز تکرار می‌کنم مگر در جلسات سازمان ملل متحد نماینده اسرائیل حضور ندارد؟ مگر نماینده ایران در این سازمان به خارج حضور نماینده اسرائیل از سالن خارج می‌شود؟

مایلی کهن گفته ۲۰ سال است این موضوع به ورزش ایران لطمه زده است. فرصت‌های زیادی را از دست داده‌ایم. سوال دیگر من این است مگر ۳۰ سال پیش ویدیو ممنوع نبود؟ آیا الان ممنوع است؟ ماهواره هم همینطور، یک روز داشتن ضبط صوت در ماشین ممنوع بود، آیا توانستیم جلوی ویدیو، ماهواره و ضبط صوت را بگیریم؟ اگر کسی ویدیو داشت

● مایلی کهن: مگر ما توانستیم جلوی ضبط صوت، ویدیو و ماهواره را بگیریم؟

کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی که همراه تیم فوتبال ایران در کره جنوبی بسر می‌برد در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره حضور مسعود شجاعی و حاج صفی بازیکنان تیم پانائیسوس یونان مقابل کره گفت: در این مورد اظهار نظر نمی‌کنم و بهتر است برای گرفتن پاسخ سوال خود تا روز مسابقه صبر کنید.

ساکت دبیرکل فدراسیون فوتبال هم گفت: تصمیم در مورد بازی این دو نفر با مهدی تاج رییس فدراسیون است، اما محمد مایلی کهن سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال که هفته گذشته هم‌صدا با فرهاد مجیدی و مهدی مهدوی کیا از ممنوعیت رویارویی ورزشکاران ایران در رقابت‌های بین‌المللی و المپیک مقابل ورزشکاران اسرائیلی به شدت انتقاد

فائزه رفسنجانی، من یک سوژه امنیتی هستم



● بعد از فوت پدر، چهار عضو خانواده ما ممنوع الخروج شده‌اند، حتی پسر نوجوانم

حزب‌الله، بسیج و سپاه پاسداران فائزه هاشمی دختر علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری پیشین رژیم ایران را به عنوان چهره‌ای مزاحم، معترض و دردسرافزین می‌شناسند. در این سال‌ها در حدی که توانسته‌اند با همکاری قوه قضائیه او را تنبیه کرده‌اند.

فائزه زمانی روزنامه زن را منتشر می‌کرد که رژیم به محتوای آن معترض بود، فائزه که دوست داشت خلاف جهت آب شنا کند با استفاده از موقعیت پدرش مدتی دختران ایرانی را به پوشیدن شلوار جین ترغیب می‌کرد سپس به سراغ دوچرخه‌سواری رفت



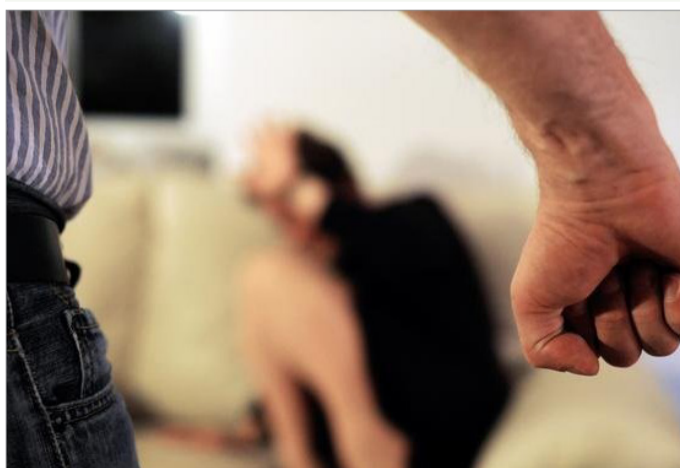
و از همجنسان خود خواست بدون ترس سوار دوچرخه شوند که هر دو این‌ها قانون‌شکنی، عبور از خط قرمز و مورد اعتراض آخوندهای حکومتی، حزب‌الله و بسیج قرار گرفت.

او در جریان انتخابات سال ۸۸ در میان تندروها برای خود خیلی دشمن تراشید تا جایی که حزب‌اللهی‌ها روی دیوارها نوشتند «فائزه فاحشه» و سرانجام نیز به خاطر دست داشتن در تظاهرات به شش ماه زندان محکوم شد و در زندان نیز به هر چه که زور گوئی و دیکتاتوری می‌مانست اعتراض می‌کرد. ناگفته نماند که هاشمی رفسنجانی در همان ایام زیر فشارهای سنگین علی خامنه‌ای و همفکرانش ناچار شد از فائزه بخواد روزنامه خود را تعطیل کند.

فائزه که به گفته دوستان و فامیل همیشه تاوان صراحت لهنه خود را داده است بعد از مرگ پدرش در فرصت‌های به دست آمده درباره فوت ناگهانی او جای تردید باقی گذاشته و وقتی در این مورد از او سوال می‌شود

عضو فراکسیون زنان مجلس:

بعضی مراجع با افزایش سن ازدواج دختران و پسران مخالفند



این مسأله بودیم چون معتقدیم در این زمینه نیاز به فعالیت‌ها و قوانینی داریم که باعث شود انواع خشونت علیه زنان اعم از جسمی، اقتصادی، روانی و... کاهش پیدا کند. یکی از مصادیق خشونت علیه زنان ازدواج زود هنگام دختر بچه‌ها است. نمایندگان مجلس از طرحی برای افزایش سن ازدواج خبر دادند اما بعد گفته شد که این طرح با مخالفت مراجع مواجه شده، اما درست است که چند نفر از مراجع با افزایش سن ازدواج دختران و پسران مخالفند اما خیلی از آنها با

هشدار عضو انجمن زنان و مامایی



● خطر مرگ دختران زیر ۱۵ سال هنگام زایمان برابر است

فرشته سربازی عضو انجمن زنان و مامایی ایران می‌گوید پزشکان متخصص زنان و مامایی مرگ دختران کمتر از ۱۵ سال را حین زایمان ۵ برابر بیشتر از سنین بالا می‌دانند. این خطر برای دختران ۱۵ تا ۱۹ سال نیز ۲ برابر دخترانی است که بالای ۲۰ سال وضع حمل می‌کنند. به گفته خانم سربازی طب مامایی، بارداری در سنین زیر ۱۹ سال و بالای ۳۴ سال را حاملگی پرخطر می‌داند و عوارض بارداری و زایمان علت مرگ دختران زیر ۱۹ سال در جهان است. دیگر اینکه خطر مرگ فرزندان

مادران زیر ۱۹ سال را در مقایسه با مادران ۲۰ تا ۳۴ سال بیشتر تهدید می‌کند، او اضافه می‌کند دختران زیر

کامران سوسکه دستگیر شد

پس از مدت‌ها جستجو برای یافتن محل اختفای کامران سوسکه، قاچاقچی معروف که سویا فروش مواد مخدر پرونده درگیری، شرارت و تجاوز به زنان را نیز دارد با تلاش ماموران و پلیس کرمانشاه وی سرانجام به دام افتاد. کامران در خانه خود دوربین‌های مداربسته کار گذاشته بود تا هرگونه تلاش کارآگاهان برای دستگیری خود را زیر نظر داشته باشد. پلیس در پورش به خانه کامران نتوانست چیزی کشف کند اما منزل او را با حکم قضایی پلمب و به نفع دولت مصادره کرد. کامران سوسکه که در هنگام حمله پلیس به خانه‌اش در یکی از اتاق‌ها بوده با کمک مردم و همسایه‌ها دستگیر شد. همسایه‌های کامران بارها از او به پلیس شکایت کرده بودند اما اقدامی برای بازداشت وی نشده بود. پورش ماموران به خانه کامران سه نفر دیگر نیز دستگیر شدند.

افزایش مواد مخدر و مشروبات الکلی میان نوجوانان و جوانان ایران

نتیجه یک تحقیق درباره مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان و نوجوانان ایران نشان از گرایش روز افزون این نسل به الکل و مواد مخدر دارد. به گفته دکتر مصطفی حمیدیه این تحقیق که با توزیع پرسشنامه میان ۸ هزار دختر و پسر ۱۵ تا ۳۵ سال انجام گرفته نشان داده تعداد زیادی از دانش‌آموزان و دانشجویان در ورزشگاهها، دبیرستانها، دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های دانشجویی سیگار و حشیش می‌کشند، مواد مخدر دیگر مصرف می‌کنند و مشروبات الکلی می‌نوشند. دکتر حمیدیه گفته متأسفانه تصور عده زیادی دانش‌آموزان و دانشجویان اینست که مصرف مواد مخدر برای یکی دو بار باعث اعتیاد نمی‌شود در حالیکه اشتباه می‌کنند.

تکه‌های جسد یک زن در چمدان

اخیرا مرد جوانی دختری را که تازگی با او دوست شده بود به قتل رساند، بدن او را تکه تکه کرد، در چمدانی گذاشت، به بیابان برد و آن را به آتش کشید. خانواده دختر ناپدید شدن او را به پلیس اطلاع دادند. تحقیقات کارآگاهان نشان داد شخص گمشده از مدتی پیش با پسر جوانی رابطه داشته است. ماموران به سراغ این پسر رفتند و مرد جوان به کشتن دوست دختر خود اعتراف کرد و گفت چندی قبل یکی از دوستانم دختری را به من معرفی کرد. در روز حادثه او را به خانه‌ام دعوت کردم اما با هم درگیر شدیم و با ضربات چاقو او را به قتل رساندم سپس جسدش را تکه تکه کردم، در چمدان گذاشتم، به بیابان‌های اطراف تهران بردم و به آتش کشیدم. تحقیقات از این مرد ادامه دارد.

هر نیم ساعت یک نفر در حوادث رانندگی در ایران کشته می‌شود



سال گذشته حدود ۸۰۰ هزار نفر مصدوم حوادث رانندگی در بیمارستان بستری شدند. به گفته قائم مقام وزیر بهداشت هر نیم ساعت یک نفر در حوادث رانندگی در ایران جان خود را از دست می‌دهد.

رتبه ایران از نظر حوادث ترافیکی در جهان هشتم است و تنها یک کشور آسیایی و ۶ کشور آفریقایی وضع بدتری از ایران دارند. در سال ۱۳۹۵ نزدیک به ۱۶ هزار تن در حوادث رانندگی در ایران کشته شدند. دکتر حریرچی گفته سال گذشته ۵۰ هزار نفر در حوادث ترافیکی با آمبولانس به بیمارستان اعزام شدند و نزدیک به ۱۳ هزار مأموریت آمبولانس‌ها هر یک بین ۳ تا ۵ کشته داشته است. در سال ۱۳۹۵ حدود ۸۰۰

خطای انسانی بوده است. دکتر حریرچی یادآور شده در سال ۱۳۸۴ حوادث ترافیکی در ایران حدود ۲۸ هزار نفر بوده است.

همسرم گفت چرا سر کار نمی‌روی، چاقوی آشپزخانه را در شکمش فرو کردم!

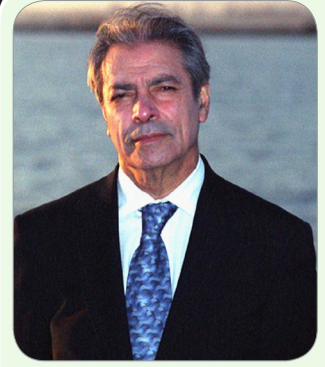
قاتل به بازجو گفت: ۱۳ سال پیش خود را با ضربات چاقو از پای درآورده بود به پلیس گفت: اخیرا از نقره‌های حاج خانم عصبانی می‌شدم، قرص اعصاب هم می‌خورم، چند روز پیش او باز به من غر زد که چرا سر کار نمی‌روم، من هم از آشپزخانه چاقویی برداشتم و چند ضربه به او زدم. دخترم که برای رفتن به مدرسه آماده شده بود مادرش را که با سر زخمی و وضع خونین روی زمین افتاده بود دید. مرد قاتل در بازداشت بسر می‌برد.

مردی که چند روز پیش همسر خود را با ضربات چاقو از پای درآورده بود به پلیس گفت: اخیرا از نقره‌های حاج خانم عصبانی می‌شدم، قرص اعصاب هم می‌خورم، چند روز پیش او باز به من غر زد که چرا سر کار نمی‌روم، من هم از آشپزخانه چاقویی برداشتم و در شکمش فرو کردم. همسایه‌ها با شنیدن فریادهای زن به پلیس خبر دادند. وقتی آمبولانس مجروح را به بیمارستان رساند کار از کار گذشته بود. شوهر

قتل در تیمارستان



در یک درگیری بین دو بیمار روانی در مرکز نگهداری بیماران روانی در دامغان هر دو نفر به شدت مجروح شدند و یکی از آنها پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. سرهنگ میری رییس پلیس دامغان گفت: قاتل مردی ۳۵ ساله و اهل افغانستان است. او گفت، مرد افغان با جسم تیزی ضرباتی به سر بیمار دیگر کوبید و باعث مرگ او شد.



داریوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوجو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «ایندگان» بود که صفحه‌ای نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

سخنی دیگر با هوادار رژیم

کیهان لندن شماره ۱۲۷۸ - ۲۳ مهرماه ۱۳۸۸

ما است. ما همه ایرانی هستیم. * * *

ما در دو سوی میدان کارزاری بر سر آینده ایران، به عنوان یک ملت و آن هم شایسته زندگی در سده بیست و یکم، عادت به برخورد دیدگاه‌ها نداریم. برخورد ما دشمنانه است - یا او یا ما. سخن گفتن کمابیش مستقیم با جوانی پاک بیرون از

و خواستار از میان برداشته شدن دولت آقای احمدی‌نژاد است و با تمام اعتراض‌ها و انتقادها من به جنبش سبز مخالف است بسیار یادگرفتم و این درس به شناخت آقای همایون و این گفتگو خلاصه نمی‌شود. امروز من می‌توانم این حرف آقای همایون را بپذیرم که هدف گفتگو رسیدن به یک نظر مشترک یا قانع کردن یا

در چند هفته گذشته به یاری دوستان گفت و شنودهایی با نمایندگان از نسل جوان ایرانیان داشته‌ام که انتشار یافته‌اند. یکی از آن نمایندگان از هواداران رژیم است که آخرین نامه‌اش را به تلاش آنلاین (جایگاه اصلی این گفت و شنودها که دو بار پیش از این ادامه یافت) در پائین می‌آورم به امید این که چنین



جهان من با فاصله سنی پنجاه سال، و فاصله جغرافیایی از اروپا تا ایران و فاصله اصلی و پر نشدنی دو سوی آن میدان، برای من تجربه خوشایندی بود. تغییر لحن و روحیه‌ای که پس از هر نامه‌نگاری روی داد، پیش از همه، فرض پر نشدنی بودن آن فاصله‌ها را باطل کرد. فاصله‌ها پر شدنی است زیرا کسانی در دو سوی میدان کارزار می‌توانند بپذیرند که هر دو ایرانی هستند و ایرانی بودن پایه و اصل است و همه چیز، از جمله باورهای هر چه هم زورمند، پس از آن می‌آید و در نتیجه می‌باید به محک آن بخورد.

نگرش ما، آرمان‌های ما، جهان بینی‌های ما، گاه از این سر تا آن سر جهان با هم تفاوت دارند ولی بنا بر آن اصل همه ایرانی هستیم، نمی‌توانیم یا او یا ما باشیم، زیرا هیچ کدام بیشتر ایرانی نیستیم، ما هر دو باید باشیم ولی با گسترش نیهیلیسم در جامعه سرانجام هیچ کدام سالم از میدان بیرون نخواهیم رفت - کشور که جای خود دارد. این نیهیلیسم را در رفتاری که هم اکنون در ایران با دگر اندیشان می‌کنند و در نگرشی که اکثریتی از مخالفان رژیم در بیرون، از جمله به یکدیگر دارند، در ناپدید شدن تدریجی بردباری و رواداری از فرایند سیاسی، می‌توان دید.

برای برگرداندن جامعه از نیهیلیسم، به زبان دیگر از فراموش شدن ارزش‌های زندگی بخش و رنگ خشونت گرفتن امور عمومی، می‌باید به گفت و شنود پرداخت و می‌باید هیچ هدفی به قیمت ضعیف شدن یا از میان رفتن ایران دفاع نکرد. گفته‌ای که آقای رضا در نامه تازه خود از من آورده‌اند گام نخستین است: گفتگو لزوماً برای متقاعد کردن نیست. در درجه اول برای آن است که رابطه برقرار بماند و جدائی و دشمنی پیش نیاید و نیز، تا آنجا که بشود به تفاهمی، به درجه‌ای از همرائی برسند. از گفت و شنود نمی‌باید ترسید و از پیامدهای آن نیز - حتی اگر همراه شدن با طرف مقابل باشد. می‌شود که گاه دیگران حق داشته باشند.

اما گفت و شنود گام اول است. ما در دو سوی این میدان کارزار می‌باید این را برای خود روشن کنیم: آیا رژیم جمهوری اسلامی را به هر قیمت می‌باید برانداخت و آیا به هر قیمت می‌باید نگهداشت؟ این گفت و شنود هنوز دنباله دارد.

قانع شدن نیست. هرچند در بعضی قسمت‌ها مثل توضیحی که درباره پرچم و اعتراض گروه معترض به حاکمیت دادند قانع شدم با این که با حرکت‌شان مخالفم.

به نظر من اصلاح هر نظامی خوب است و هر نظامی همیشه جا برای اصلاح شدن دارد ولی اصلاح طلبان ایران و همفکران‌شان در جناح اپوزیسیون خارج از کشور تند و حتی دست راستی شده‌اند. آن قدر دست راستی شده‌اند که نظام را فاشیست می‌خوانند، با تحریم کشور موافق هستند تا نظام را به زانو درآورند و با مذاکره با دول غرب مخالفند چون این دولت را قبول ندارند. ضرر همه این‌ها بیشتر به ملت ایران که همه ما هستیم وارد می‌شود و من با آن مخالفم و با کلمات تندى مثل فاشیست هم مخالفم ولی قبول دارم ما نباید خودی و غیر خودی بشویم. ولی بحث من این است که خوب است این مخالفت‌ها از هر دو سو مطرح شود و این اعتماد وجود داشته باشد که در هر دو سو آدم‌های دلسوز برای ایران و ملت ایران وجود دارند که دنبال راه حل‌اند نه انتقام جویی و سود شخصی بردن.

از سایت تلاش تشکر می‌کنم که فضای سالم و آزاد این ارتباط را با امانت داری فراهم کردند. از خانم ماندانا زندیان که شروع کننده این ارتباط بودند تشکر می‌کنم که در طول این مدت بدون این که سعی در تحمیل نظری به من داشته باشند یا من در ارتباط ماندم و هرگز امضای «محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران نیست» را از پایین ایمیل‌شان برنداشتند و مرا به این فکر انداختند که چرا ایشان که با صراحت از جنبش سبز حمایت می‌کنند با خیال راحت با من طرفدار آقای احمدی‌نژاد در ارتباط است و نام کاملش را هم می‌آورد و همفکرانش مشکلی با او ندارند ولی من از ذکر نامم در جبهه مخالف پرهیز می‌کنم.

من این اعتقاد را که از این اتفاق به دست آوردم پاس خواهم داشت و برای همفکرانم تعریف خواهم کرد: ما باید با احترام به آزادی و حقوق همدیگر در چارچوب قوانین کشورمان با هم گفتگو کنیم چون ما یک ملتیم و گفتگو بهترین راه رسیدن به راه حل است برای کسانی که علاقه‌ای مشترک هدفشان است و پیوندشان می‌دهد و این علاقه کشور ما و ملیت

برخورد دیدگاه‌ها در هر جا بیشتر شود: * * *

سایت اینترنتی تلاش آن لاین رضا از ایران

بعضی وقت‌ها در زندگی اتفاق‌هایی می‌افتد که می‌توانستند هرگز اتفاق نیفتند و زندگی هم همانطور که داشت می‌گذشت ادامه پیدا می‌کرد و آدم هرگز متوجه نمی‌شد می‌شود بعضی چیزها و بعضی آدم‌ها را طور دیگری هم دید و کاملاً متفاوت درباره‌شان قضاوت کرد.

یکی از این اتفاق‌ها چند هفته پیش برای من افتاد و من را متوجه خیلی چیزها و آدم‌هایی کرد که تا قبل از آن با اصلاً متوجه‌شان نبودم یا نمی‌خواستم متوجه‌شان بشوم.

مهمترین آنها این حرف آقای داریوش همایون است: «ما لازم است نخست به این تفاهم برسیم که یک ملت هستیم. ما ایرانی هستیم، همه ما.»

برای من تازگی دارد که نوشته‌های آقای همایون و بعضی همفکران ایشان را می‌خوانم و با این که با خیلی حرف‌های‌شان کاملاً مخالفم خشمگین نمی‌شوم و سؤالاتم را درباره‌ی این نوشته‌ها بر زبان می‌آورم و با نویسندگانی که باورهای سیاسی‌شان را قبول ندارم گفتگو می‌کنم و در طول گفتگو هم می‌دانم نه من مانند آنها فکر خواهم کرد نه آنها مانند من، چون پایه فکری‌مان خلاف هم است. آنها در یک کلام اپوزیسیون نظامی هستند که من طرفدارش هستم.

پس چرا من چنین می‌کنم و چرا آنها در چنین گفتگویی شرکت می‌کنند؟ تنها جوابش گفته آقای همایون است. ما یک ملتیم. و نکته مهم دیگر که بسیار خوشحالم از آقای همایون شنیدم این است «بهترین‌ها در دو سوی این شکاف (زیرا هیچ‌گاه نمی‌باید همه را به یک چوب راند) نگران آینده این ملت هستند.»

به عبارت دیگر طرف مقابل من اصلاً «آنها» نیست و من هم برای بعضی از فعالان آن طرف «از آنها» نیستم. ما همه یک ملتیم، بر اساس باورهای سیاسی‌مان اعتقاد داریم فکر ما برای ایران و ملت ایران درست‌تر است.

من با نظام جمهوری اسلامی موافقم و به آقای احمدی‌نژاد رأی داده‌ام و از رأیم دفاع می‌کنم ولی از گفتگو با آقای داریوش همایون که طرفدار نظام پادشاهی است و از جنبش سبز حمایت می‌کند

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۳۴)

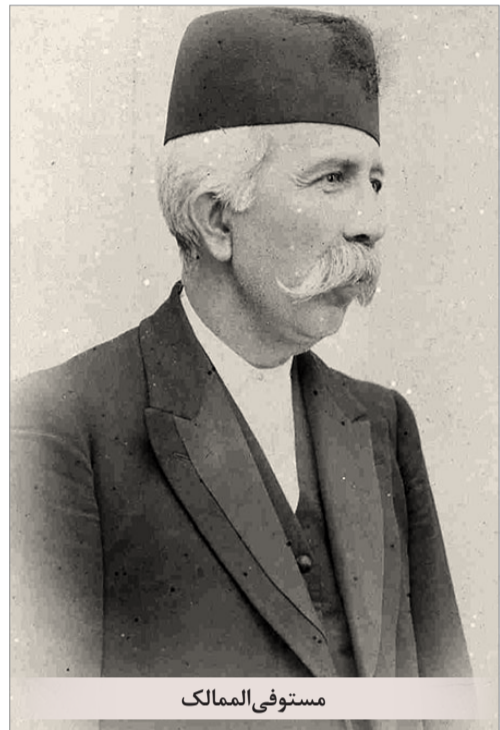
باز نشر

(کیهان لندن شماره ۱۲۱۵)

احمد احرار

عضدالملک گریه کرده و سینه زده است. او در جواب می‌گوید اینها شایعاتی است که منبری‌ها می‌پراکنند و به یک واقعه ساده شاخ و برگ می‌دهند. من به گوش خود شنیدم که یکی از وعظ می‌گفت مسیو کاردورف در حسینیة عضدالملک اشاعه اسلام را در آلمان اعلام کرده و اظهار داشته قیصر آلمان به حمایت از اسلام وارد جنگ با روس و انگلیس شده است. پس عجلالت ملت آلمان بزرگترین ملت اسلام و قیصر آلمان بزرگترین پادشاه اسلام و نصرت ایشان نصرت اسلام است. بعد از آن هم جمیع حاضران برای پیروزی سپاه اسلام در جنگ با کفار دعا کردند!

در این زمان، همراه با افزایش هیجانات عمومی،



مستوفی الممالک

سیاست بیطرفی، با وجود آن که دولت مستوفی بدان پای‌بند بود، در برابر افکار و احساسات عمومی رنگ می‌باخت. دموکرات‌ها که اکثریت کرسی‌های مجلس سوم را در اختیار داشتند نسبت به سیاست بیطرفی نظر موافق نداشتند و خواستار الحاق ایران به «متحدین» بودند. افکار عمومی نیز از این گرایش حمایت می‌کرد و مقالاتی که به جانبداری از آلمان و عثمانی و برضد انگلیس و روس در مطبوعات انتشار می‌یافت یا اشعاری که در این زمینه سروده می‌شد، دست به‌دست و دهان به‌دهان می‌گشت. قصیده وحید دستگردی، نمونه این اشعار بود که چنین آغاز می‌شود:

منفجر گشت چو نارنجک حَرَاق اروپ
صلح راکنگره بشکست و پراکند کلوب



ویلهلم دوم امپراتور آلمان

شد بَدَل زمزمه صلح به آوازه توپ
حق برون نامد جز از دهن توپ کروپ
گشت یکپارچه آتش، همه اقطار فرنک

زاغ فتنه چو در آفاق پرافشانی کرد
شفق از خون، افق عالم انسانی کرد
آسمان بر سپه فتنه کماندانی کرد
نه فلک فتنه بیا کرد، بریطانی کرد
هم برافروخت، و هم سوخت به نار نیرنگ

و پس از آن که فتنه‌گری را از ناحیه بریتانیا و سر ادوارد گری وزیر امور خارجه انگلستان را مسبب فتنه قلمداد می‌کند، به ستایش گیوم (ویلهلم دوم) امپراتور آلمان می‌پردازد:

کرد بر فتنه، سر ادوارد گری راهبری
ساخته دوران سلامت به اروپا سپهری
فاش بینی اگر از چشم حقیقت‌نگری
کان‌رجزخوانی دبروز سر ادوارد گری
همه لاطائل و بیهوده و پوچ است و جفنگ

انگلیس، آن دُهل خالی بگرفت به دوش
وز میان تهی افکند در اقطار خروش
د یک حرص و طمع
روس در افتاد به جو ش
تا کند آتش این فتنه به عالم خاموش
برکشید از دل گلیوم دوم نعره جنگ

اولین قیصر دانشور، گلیوم دوم
زهره چرخ سوم، مهر سپهر چارم
اختر چرخ فروز و فلک پر انجم
آنکه بر چرخ فرستد اگر اولتیماتوم
هفت اختر بسیارند بدو، هفت اورنگ

امپراطور فلک رفعت سیاره خَدَم
حامی امن و امان، ماحی بیداد و ستم
یار اسلام، طرفدار عرب، پشت عجم
نیکلارابه برش گردن طاعت شده خم
زُرز بسته به حضورش کمر خدمت تنگ...

گذشته از آن که با ورود عثمانی به جنگ، بخشی از جهان اسلام عملاً در جبهه مخالف روس و انگلیس قرار گرفته بود (قلمرو امپراتوری عثمانی از اروپای شرقی تا شبه جزیره عربستان امتداد داشت) و نیز صدور فتوای جهاد از طرف علمای شیعه، اینجا و آنجا تبلیغ می‌شد که قیصر آلمان به آئین اسلام گرویده و نام خود را به محمد ویلهلم تغییر داده و سجع مهرش چنین است:

صاحب دیهیم و تخت و علم و حلم
عبدالراجی محمد ویلهلم

به روایت مورخ‌الدوله (احمدعلی سپهر) دبیر ایرانی سفارت آلمان، فن کاردورف وزیر مختار آلمان در ایران به‌علامت همبستگی با اهل اسلام در حسینیة عضدالملک (نزدیک سنکلیج) حضور یافته ساعتی را با عزاداران حسینی گذراند. مستوفی‌الممالک از مورخ‌الدوله که کاردورف را همراهی می‌کرده است می‌پرسد آیا حقیقت دارد که وزیر مختار در حسینیة

بر تعداد روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران نیز افزوده می‌شد. «بامداد روشن» با شعار طرفداری از اتحاد اسلام و استقلال ایران به مدیریت میرزا محمد علی‌خان خراسانی، «ستاره اسلام» طرفدار دموکراسی و هواخواه انقلابیون روسیه به مدیریت میرزا حسین‌خان صبا، «شهاب ثاقب» به مدیریت میرزا احمدخان نراقی به‌عنوان روزنامه فارسی ملی مستقل‌الافکار، «عصر انقلاب» به‌مدیریت میرزا آقاخان همدانی و سردبیری دبیر خلوت، «عصر جدید» به‌مدیریت عبدالحمیدخان متین‌السلطنه، از پر سر و صداترین مطبوعات این دوره بودند.

«عصر جدید» به هواداری از متفقین مقاله می‌نوشت ولی اکثر روزنامه‌ها، تابع افکار عمومی و طرفدار متحدین بودند. «عصر انقلاب» در میان گروه اخیر، از تندروترین مطبوعات این دوره به‌شمار می‌رفت که قرعه نخستین توقیف نیز، پس از افتتاح مجلس سوم و فرا رسیدن «بهار آزادی» به‌نام آن اصابت کرد.

لحن تند «عصر انقلاب» را که پس از توقیف، با نام «عهد انقلاب» انتشار یافت، در مقاله‌ای با عنوان «ایران عوامل فداکار ایرانی لازم دارد» منعکس می‌باییم: «ایرانی بیچاره بایست چه انتظاری داشته باشد؟ - ایرانی بایست منتظر اعدام و اضمحلال باشد! - ایرانی بایست برای بندگی و عبودیت اجانب حاضر شود!

ایرانی بایست همه ذلت‌ها، فلاکت‌ها، و بدبختی‌های متصوره دوره زندگانی را استقبال کند! - ایرانی بایست شرافت و استقلال خود را از دست بدهد!

چرا؟ برای آن که ایران عوامل فداکار و زمامداران از جان گذشته ندارد. ایران بیچاره در دست یک جماعت لاابالی، یک جمعیت لاقید، یک مردمان غیر حساس و یک زمامداران با نزاکتی دچار شده که مملکت را خراب و خانه خود را آباد می‌خواهند. تغییر اسم صدر اعظم به رئیس‌الوزراء، یا تبدیل نام «حکومت فروش» به وزیر داخله، مملکت را آباد نخواهد کرد. مملکتی که غرش توپ همسایگان از چهار طرف پایتختش را تهدید نماید، در سایه خائنان و وطن‌فروشان دوره استبداد نمی‌تواند از خطر رهایی یابد...»

مقاله دیگر این روزنامه، آتیة اسلام را منوط به سرنوشت دولت عثمانی قلمداد و تلویحاً از پیوستن به متحدین جانبداری می‌کند: «آیا دخالت اولین دولت مقتدر عالم اسلام در جنگ امروز و نتیجه محاربات فعلی در سیاست مسلمین چه تأثیری خواهد نمود، و در صورت فاتحیت عثمانی و رفقای او، یا مغلوبیت ایشان، وضعیات عالم اسلامی چه موقعیتی را به‌دست خواهد آورد?... آتیة اسلام موقوف به قوت یا ضعف عثمانی است. پس در این صورت تکلیف چیست و اسلامیان چه بایست بکنند؟...»

در اوایل جنگ جهانی، متحدین از وضع برتری برخوردار بودند و احتمال این که فاتحانه از جنگ خارج شوند غلبه داشت. این پیش‌بینی بر جرأت مخالفان روس و انگلیس، چه در مجلس و چه در مطبوعات و منابر و مواعظ، می‌افزود. اما عبور نیروهای روسیه و انگلستان از مرزها و کشیده شدن جنگ به داخل خاک ایران، اوضاع را عوض کرد.

«ادامه دارد»

نگاهی به کتاب دکتر اوئن وزیر خارجه اسبق بریتانیا

سرطان شاه، عامل پیروزی انقلاب اسلامی؟



می‌داد، پزشکان معالج در شرایطی که تنها چند تنی از بیماری واقعی شاه مطلع بودند سرانجام تصمیم گرفتند در ملاقاتی کاملاً سری و بدون اطلاع شاه، شهبانو را در جریان امر قرار دهند و در عین حال وی را از نظر روانی آماده و خیم تر شدن ناگزیر بیماری شاه کنند.

اینکه دکتر فلاندرن از زمان تشخیص اولیه بیماری سرطان خون تا خروج شاه از ایران ۳۵ بار بطور سری برای معاینه شاه به تهران سفر کرد و اینکه پزشکان معالج برای محرمانه نگهداشتن موضوع از شاه، داروهای تجویزی را در شیشه‌هایی با برچسب‌های جعلی به او ارائه می‌کردند، اسرار فاش نشده‌ای نیست. اما آنچه تا حدودی تازگی دارد و البته اوئن صریحاً بدان اشاره‌ای نمی‌کند شک و تردید به درجه آگاهی شخصی شاه از بیماری بود که روز بروز سلامتی او را بیشتر تحلیل می‌برد.

دکتر اوئن می‌گوید پروفیسور برنارد در موارد متعددی کوشش کرد درباره وضع سلامتی شاه با خود شاه گفتگو کند ولی او را نسبت به این بحث علاقمند نیافت. تا آنکه در سال ۱۳۵۶ شاه در گفتگو با دکتر فلاندرن مطلبی عنوان کرد که به عقیده پزشک فرانسوی از آگاهی شاه از جدی بودن بیماریش حکایت داشت.

در تابستان ۱۳۵۶ ولیعهد در یک

«در بیماری و در قدرت» بی‌تردید مبحثی است تاریخی، و کتاب تازه لرد دکتر دیوید اوئن سیاستمدار انگلیسی تحت همین عنوان In Power (Sickness and in) به بررسی بیماری رهبران و سیاستمداران برجسته‌ای اختصاص یافته است که در یک صد سال اخیر با وجود بیماری و مخفی نگهداشتن آن به حکومت ادامه داده‌اند و این پنهانکاری چگونه روند تاریخ و سرنوشت ملت‌ها را تغییر داده است. اوئن در مقدمه کتاب می‌نویسد به عقیده او مسئولیت رهبران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی درقبال ملت‌هایی که بر آنها حکومت می‌کنند اگر از مسئولیت پزشکان در حفظ سلامت بیماران بیشتر نباشد کمتر نیست، اما تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از رهبران سیاسی جهان یا پیش از روی کار آمدن و یا حین زمامداری بیمار بوده‌اند، ولی با پنهانکاری، همچنان در اریکه قدرت باقی مانده‌اند.

مبحث بیماری شاه فقید و تاثیرات آن در ایران و منطقه، یکی از فصول خواندنی این کتاب است و مطالب عنوان شده هر چند از نگاه اهل فن تازگی ندارد، با این وجود برای بسیاری که معمات انقلاب همچنان برایشان لاینحل باقی مانده درخور تعمق و تفکر است.

دکتر اوئن برای این پرسش که بیماری سرطان خون شاه تا چه حد آهنگ سقوط رژیم پادشاهی را در ایران سرعت بخشید پاسخی قاطعانه ارائه نمی‌کند، اما معتقد است چنانچه راز بیماری سرطان شاه در سال‌های ماقبل انقلاب اسلامی و حتی در آخرین ماه‌ها بر ملا می‌گردد، شاه وادار می‌شد بدلیل بیماری از سلطنت کناره‌گیری کند، و چه بسا «یک واقعه فاجعه‌آور ژئوپلیتیکی بنام انقلاب اسلامی ایران که با عواقب آن هنوز دست بگریبانیم» به وقوع نمی‌پیوست.

ارتش سرخ وارد افغانستان نمی‌شد، صدام شهادت حمله به ایران و سپس تسخیر کویت را نمی‌داشت، توفان صحرا، القاعده و جنگ دوم خلیج فارس با اشغال کنونی عراق واقع نمی‌گشت و جهان حال و شور دیگری می‌داشت!

دکتر اوئن که فارغ التحصیل طب در رشته عصب شناسی است در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) و در سن ۴۸ سالگی در دولت کارگری جیمز کالاهان به مقام وزیر امور خارجه بریتانیا منصوب شد و این مقام را به مدت چهار سال و اندی تا روی کار آمدن دولت محافظه کار مارگارت تاچر در سال ۱۹۸۰ برعهده داشت. بنابراین دوران وزارت اوئن در حقیقت در پیش و پس از توفان ۵۷ و استقرار رژیم جمهوری اسلامی در ایران بود. در فصل مربوط به شاه، دکتر اوئن زیر سرفصل‌هایی فرعی به بررسی تاریخ تحولات ایران از بعد از جنگ دوم جهانی تا بهمن ۵۷ و نیز بیماری شاه و تاثیرات آن از جوانب متفاوت می‌پردازد.

اوئن که اطلاعات خود را براساس سه گزارش دکتر فلاندرن که پس از درگذشت شاه نوشته شده، و نیز گفتگوهای شخصی با شهبانو و پرفیسور صفویان ارائه می‌کند یادآور می‌شود که بیماری شاه در بهار ۱۳۵۳ توسط پرفیسور ژان برنارد فرانسوی، متخصص خون، تشخیص داده شد و دکتر کریم آبادی پزشک مخصوص شاه از پروفیسور برنارد و همیار او دکتر ژرژ فلاندرن تقاضا کرد از بیماری سرطان شاه که در زمان تشخیص در مرحله دوم بوده و نیازی به درمان نداشته، مطلبی به شاه نگویند. حیرت‌انگیز اینکه شهبانو فرح برای نخستین بار در ۱۳۵۶ از بیماری سرطان شاه مطلع شد و شخص شاه نیز در بهار ۱۳۵۸ بهنگام تبعید در باهاما و هنگامی که غده‌ای در گردن او ظاهر گشت پی برد که در سرطان مهلکی مبتلا است. پیش از آن به شاه گفته بودند که به بیماری غلظت خون (Waldenstorm) دچار شده، گو اینکه صرف‌نظر از خستگی ممتد، علائم بارزی از بیماری به استثنای بزرگ شدن طحال در شاه مشهود نبود.

در اشاره به نحوه آگاهی شهبانو فرح از بیماری شاه، اوئن می‌نویسد به ابتکار پروفیسور صفویان که عواقب سیاسی بیماری شاه وجدان او را آزار

شاه هورا می‌کشیدند. اوئن می‌گوید در دیماه ۱۳۵۷ که برای تشییع جنازه بومدین در الجزایر بود تلگرافی را از دیپلمات‌ها در لندن (به احتمال قوی به ابتکار سر آنتونی پارسونز سفیر وقت بریتانیا در تهران) جهت امضا و ارسال برای سایروس ونس دریافت کرد. مضمون تلگراف این بود که واشنگتن با هرگونه دخالت و اقدام خشونت‌آمیز از سوی نیروهای نظامی ایران علیه مخالفان شاه، امری که مورد پشتیبانی برژینسکی بود، مخالفت کند.

اوئن فاش می‌کند: «من از این کار خودداری کردم زیرا معتقد بودم که آهنگ پیشرفت تحولات در ایران به‌گونه‌ای بود که میبایستی شاه و نیروهای نظامی نسبت به هرگونه اقدامی تصمیم می‌گرفتند».

در نهایت امر، دکتر اوئن می‌نویسد، شاه دو پهلو عمل کرد و در عمل تصمیم گرفت دست به اقدامی نزد و در توجیه آن گفت «پادشاه برای حفظ تاج و تخت خود نمی‌باید خون هموطنانش را بریزد. خونریزی از دست دیکتاتورها برمی‌آید چون دیکتاتورها به نام ایدئولوژی‌هایی عمل می‌کنند که معتقدند باید به هر بهایی پیروز شود».

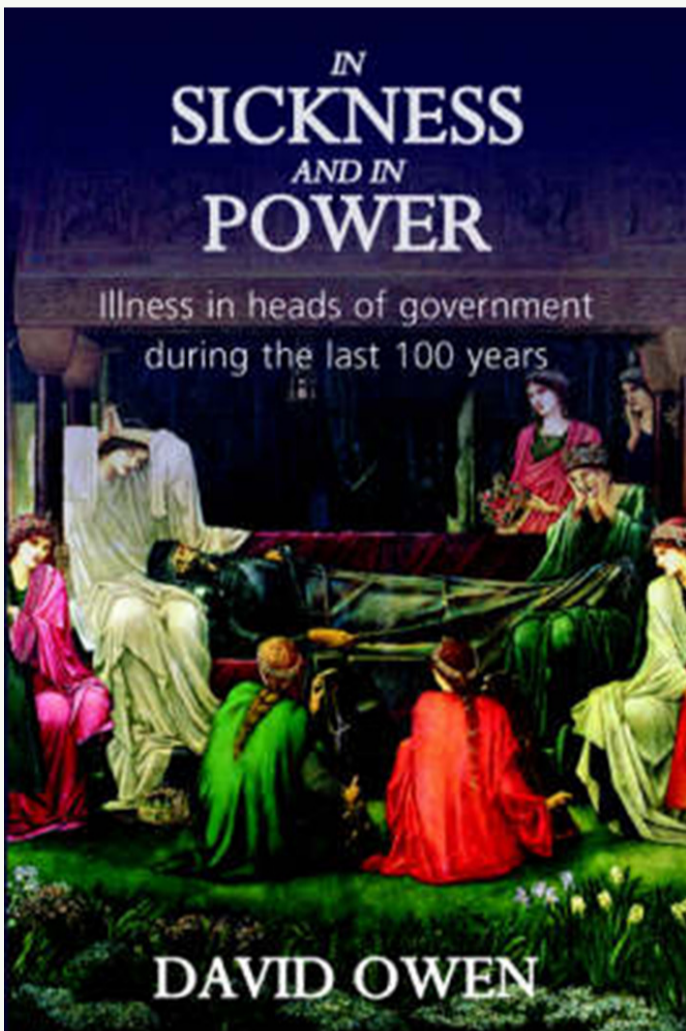
دکتر اوئن در عین حال در نگاهی به دوران سلطنت پهلوی دوم، به ویژه دهه ۷۰ میلادی که شاه در اوج قدرت خود قرار داشت می‌گوید، هرچند منافع غرب و ایران بویژه در دهه ۷۰ به‌دلیل موقعیت ایران به‌عنوان مهمترین عامل نفوذ در خاورمیانه متوازن بود، اما شاه نه دست‌نشانده و نه وامدار واشنگتن و غرب بود. برعکس شاه در سال ۱۹۷۶ به آمریکا اخطار کرد «چنانچه واشنگتن منافع حقه و استراتژیکی ایران را در خلیج فارس تحت چالش قرار دهد، ایران سراسر منطقه را به دوزخی برای ایالات متحده تبدیل می‌کند».

در نتیجه‌گیری نهایی و این که تا چه حد سقوط شاه به‌دلیل بیماری و با شخصیت ذاتی او بود، دکتر اوئن برای نخستین بار عقیده پرفیسور صفویان را فاش می‌کند که معتقد است کنترل بیماری تا زمانی که شاه در ایران بود در چنان کیفیت عالی قرارداشت که نمی‌توانست تاثیری بر مردم بودن و دودلی و بی‌تصمیمی شاه باقی گذارد. دکتر فلاندرن نیز معتقد است که بیماری شاه روی تصمیمات او طی آخرین سال‌های سلطنت‌اش تاثیر عمده نداشته است. اما عقیده شخصی دکتر اوئن این است که روند پیشرفت سرطان در شاه قاعدتاً در توانائی او در تصمیم‌گیری موثر بوده و پرونده پزشکی شاه نمونه دو وضعیت - فشار روحی و سرطان - است که بطور متقابل در وخیم‌تر کردن یکدیگر موثر بوده‌اند.

دکتر اوئن می‌گوید شواهد محدود علمی وجود دارد که عوامل روانی، ازجمله فشار روحی می‌تواند سلول‌های سرطانی موجود در بیمار را چند برابر و رشد آنها را تسریع کند و گزارشهای دکتر فلاندرن از آخرین ماه‌های زندگی شاه در ایران شکی باقی نمی‌گذارد که وی تحت فشار شدید روحی از پای درآمده بود. افرادی که با شاه ملاقات کردند او را پریشان حال و غمگین توصیف می‌کنند که حتی هنگام معاینات پزشکی به اخبار رادیوها گوش می‌کرد و با تأثر از خود می‌پرسید چرا چنان اتفاقاتی روی می‌دهد. در بررسی‌های بیشتر از شخصیت شاه، اوئن به گفتگوهایی که دکتر فلاندرن با اسدالله علم وزیر دربار داشته اشاره می‌کند و اینکه علم از خصلت‌های ضد و نقیضی که در شاه وجود داشته و نیز سادگی، هم ظاهری و هم باطنی، با ذکر مثال‌هایی با دکتر فلاندرن سخن گفته است.

«علم در تابستان ۱۳۵۶ دیگر وزیر دربار نبود و در بهار ۱۳۵۷ درگذشت. فئدانی غم‌انگیز برای شاه، مردی که شاه را در خرداد ۱۳۴۲ رهبری مصمم جلوه داد، در آخرین بحران و در شرایطی که شاه شدیداً به او نیاز داشت در قید حیات نبود».

در شمار آینده «درجه آگاهی‌های سازمان‌های جاسوسی از بیماری شاه»



البته دکتر اوئن تأکید می‌کند که مبتکر سیاست آزادی‌های سیاسی در ۱۳۵۶ در ایران «در واکنش به توجه جهانی نسبت به حقوق بشر» - یکی از شعارهای انتخاباتی کارتر - شخص شاه بود. «هرچند این سیاست مناسب چشم‌انداز سیاسی من و محققاً دولت کارتر که به روی کار می‌آمد بود، اما هرگز از جانب بریتانیا و آمریکا به شاه دیکته نشد. این شخص شاه بود که درهای زندان‌ها را به روی بازرسان صلیب سرخ گشود».

دکتر اوئن در تشریح دیگر عواملی که منجر به سقوط رژیم شاه شد، به ناهماهنگی‌ها در غرب نسبت به اتخاذ سیاست واحدی درقبال تحولات ایران و نیز اختلاف‌نظر در درون دولت کارتر هم اشاره می‌کند، با این تأکید که انتصاب جورج بال به‌عنوان مشاور تحولات ایران شکاف میان سایروس ونس وزیر خارجه و برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر را عمیق‌تر کرد، تا حدی که در اواخر افرادی در رده‌های سطح میز ایران در وزارت خارجه آمریکا برای مخالفان



درآمدهای سرسام‌آور نفت و تورم ناشی از آن مواجه با مشکل شد. «افزایش قیمت‌ها عمیقاً در پائین آوردن سطح زندگی مؤثر گشت و شاه با وجود آگاهی از مشکل، به‌عوض برطرف ساختن موجبات زیربنائی تورم، به پیکار علیه سودجویی دست زد و عصبانیت و عصیان بازار را به‌وجود آورد و بازار را به سوی ملامها سوق داد».

اوئن در نوشته‌های خود تصویری نیز از تحولات آخرین سال‌های رژیم شاه ترسیم می‌کند و از قول شهبانو می‌نویسد که شاه در بهار ۱۳۵۶ واقعا نسبت به تسریع روند دموکراسی و گسترش آزادی‌های سیاسی تصمیم گرفت و در این جریان جمشید آموزگار، دبیرکل حزب رستاخیز را که شهبانو از او بعنوان «مردی درخشان، تحصیل کرده، با فرهنگ و با وقار» یاد می‌کند، جانشین هویدا کرد. ۱۳ سال نخست وزیر بود کرد. اما مشکل کار در این بود که زمانی که آموزگار به نخست وزیری رسید، شاه تمام ظواهر تعدد احزاب را کنار

با هدف ایجاد یک پادشاهی مشروطه از طریق برپائی یک شورای سلطنتی و انتقال قدرت به سیاستمداران منتخب مردم برای جانشینی ولیعهد فراهم کند».

اوئن از نحوه انتقال صلح آمیز حکومت «فاشیستی» ژنرال فرانکو در اسپانیا به پادشاهی مشروطه خوان کارلوس به‌عنوان نمونه‌ای که می‌توانست در ایران نیز تحقق یابد و شاه نیز به روند اجرای آن آگاه بود، یاد می‌کند و می‌گوید هرچند شاه از زمانی که متوجه بزرگ شدن طحال خود شد تشکیل یک شورای نیابت سلطنت را که قدرت کامل را تا رسیدن ولیعهد به سن قانونی در دست شهبانو متمرکز می‌کرد پیش بینی کرده بود، اما رهبر ایران «برخلاف تصویری که ما در آن ایام و صرف‌نظر از تجربیات گذشته، به‌عنوان یک رهبر قدرتمند و مصمم از او در ذهن داشتیم، مرد تصمیم نبود».

اوئن در بررسی شرایط اوضاع ایران در نیمه دهه ۷۰ میلادی می‌گوید اقتصاد ایران از ۱۳۵۴ با مصرف

آکادمی نیروی هوائی آمریکا آموزش می‌دید و شاه به فلاندرن گفت: «تنها از شما می‌خواهم کمکم کنید که سلامتی‌ام را برای دوسال آتی حفظ کنم - زمانی کافی تا ولیعهد آموزش دوساله‌ای را یک سال در آمریکا و یک سال در ایران به پایان برد».

دکتر اوئن در ۱۳۵۶ جهت شرکت در کنفرانس وزیران خارجه پیمان نظامی سنتو و در ایامی که هنوز بوهی از انقلاب در ایران به مشام آلودی نمی‌رسید و جویندگان جهانی طلای سیاه در رفت و آمد به تهران بودند به ایران رفت و با شاه فقید ملاقات کرد. «در ملاقات با شاه که در اوج قدرت قرار داشت وی را متکی به نفس و خشنود از نقشی که در تعیین بهای نفت برعهده گرفته بود یافتیم. ایده‌آل بود اگر در آن زمان و بخصوص یک سال بعد می‌دانستیم که شاه مبتلا به سرطان حاد خون است. اگر من و سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا از بیماری شاه مطلع می‌بودیم، محققاً از این فرصت استفاده کرده و به شاه پیشنهاد می‌کردیم روند دموکراسی را



خود نوشت: «باز هم گندم‌نماهای جوفروش! رای عدم اعتماد بیطرف نتیجه صداقت، سلامت و پاسخ منفی ایشان به خواسته‌های آقایان (ت،و،خ) در جلسه میدان آرژانتین بود.»

مصطفی تاجزاده، معاون وزیر کشور دوره محمد خاتمی، از دیگر اصلاح‌طلبانی بود که در زمان انتخابات تا توانست در توجیه عملکرد منفی حسن روحانی در دولت نخست وی تلاش و برای او تبلیغ کرد و امیدوار بود دوباره اصلاح‌طلبان بتوانند همزمان با روی کار آمدن دولت دوازدهم، بر صندلی‌های مدیریتی تکیه بزنند. تاجزاده اما بر خلاف بسیاری از اصلاح‌طلبان که از سهم نداشتن در کابینه دوازدهم عصبی بودند، تلاش کرد واکنشی با آرامش و دمکرات از خود نشان دهد و روحانی را با پیگیری وعده‌های او تهدید کرد: «من به دلایلی در مورد وزرا نظر ندادم اما از امروز پیگیر وعده‌هایی خواهم بود که آقای روحانی به مردم داد و بر همان مبنا از آنان رای بالایی گرفت.» محمود صادقی، نماینده اصلاح‌طلب مجلس و از اعضای فراکسیون امید نیز در پاسخ به واکنش‌های اصلاح‌طلبان خارج از مجلس توییت کرد: «بگ جریان مرموز می‌خواهد مسئولیت کاستی‌های کابینه را به عهده فراکسیون امید و اصلاح‌طلبان بیندازد. هشیار باشیم.»

شکست اصلاح‌طلبان، یا به بیان بهتر، رو دست خوردن آنها در روند بررسی صلاحیت وزاری روحانی در حالی اتفاق افتاد که این کابینه با نظرات اصولگراها هم تطبیق نداشت. ۲۳۶ رای موافقی که از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به محمد جواد ظریف داده شد نشان می‌دهد چنین کابینه حاصل توافق حسن روحانی با علی لاریجانی است. شاید این کابینه را باید «کابینه لاریجانی-روحانی» به حساب آورد. علی لاریجانی یکی از افراد اصلی قدرت در جمهوری اسلامی است. او یکی از برادران خانواده منتقد و پر قدرت لاریجانی‌ها محسوب می‌شود و در بسیاری از اتفاقات مهم مملکت نقش اصلی و حتا اول را به عهده دارد. در این سال‌ها او در حذف احمدی‌نژاد و حتا در حوادث مربوط به اعتراضات خیابانی ۸۸ دخیل بوده است.

علی لاریجانی بود که تلفنی پیروزی میرحسین موسوی در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ را تبریک گفت و در واقع او را در ضمن کرد که پیروز انتخابات بوده است؛ در ماجرای هسته‌ای و برجام دوشادوش حسن روحانی ایستاد و از برجام حمایت کرد و در نهایت برجام را ظرف بیست دقیقه در مجلس به تصویب رساند.

علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی، در مصاحبه‌های نشان داد که لاریجانی می‌توانسته است با دور زدن رئیس جمهور همراه با وزیر خارجه در مورد مساله مهمی مانند جزایر سه گانه با غربی‌ها از یک سو و اماراتی‌ها از سوی دیگر مذاکره کند. اکنون به نظر می‌رسد بسیاری از امور بر مدار توافق لاریجانی-روحانی می‌چرخد و شاید بتوان گفت که روحانی بی‌میل نیست بعد از خودش لاریجانی را بر مسند ریاست جمهوری ببیند. در هر حال اکنون برخلاف تلاش اصلاح‌طلبان و نقش پررنگی که در پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری داشتند و همین‌طور بر خلاف ادعایشان، آنها سهمی در دولت دوازدهم ندارند و در واقع حسن روحانی آنها را در قسمت جدی و حیاتی ماجرا بازی نداد و نادیده‌شان گرفت.



بازی بُرد-بُرد روحانی و لاریجانی، کابینه‌ای بدون اصلاح‌طلبان

برخلاف آنچه انتظار اصلاح‌طلبان بود بسته شد. روزنامه قانون در مطلبی به این رویداد واکنش نشان داد و نوشت: «اگر چه روز جلسه نهایی رای اعتماد مجلس به وزرای پیشنهادی بدنه نگرانی نسبت به کابینه روحانی از سوی جریان اصلاحات و بدنه اجتماعی این جریان شد و این ابهام را در میان حامیان اصلاحات به وجود آورد که آیا فراکسیونی که با حمایت حداکثری بدنه اجتماعی اصلاحات در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۹۴ به مجلس ورود پیدا کرد، توان تحقق سایر مطالبات جامعه را دارد و در آینده این فراکسیون چگونه می‌خواهد از حقوق حامیان خود به عنوان وکلای ملت در سراسر کشور دفاع کند؟»

روزنامه ابتکار نیز در مقاله‌ای کوشید تا از پشت پرده فریب خوردن فراکسیون امید پرده بردارد؛ نویسنده این مقاله مدعی شد: «شنیده‌ها حاکی از این است که طبق توافق فراکسیون امید با مستقلان مجلس قرار بوده است فراکسیون امید به رحمانی فضلی، وزیر پیشنهادی کشور که در ابتدا نسبت به او انتقادات زیادی از سوی اعضای فراکسیون امید مطرح بود، بعد از رفع سوء تفاهم‌ها و قانع شدن رای بدهند، در عوض فراکسیون مستقلان نیز در رای به آذری جهرمی که به واسطه حواشی پیرامونش مورد وفاق این فراکسیون و خواست ۲۴ میلیونی مردم نبوده است، رای ندهند. ولی باز هم فراکسیون مستقلان با تکرار بی‌اخلاقی که در موضوع رای‌گیری اعضای هیئت رئیسه در سال دوم مجلس داشتند، به عبارتی آنها را دور زدند. البته این مسئله از فراکسیون امید به ریاست محمدرضا عارف و چگونگی مدیریت شرایط، سلب مسئولیت نمی‌کند و تا حدی مسئولیت این اتفاق به عهده این فراکسیون است.»

برخی شخصیت‌های اصلاح‌طلب که در زمان انتخابات «هر فرد، یک ستاد» را به معنای واقعی کلمه به نمایش گذاشتند نیز در شبکه‌های اجتماعی با سرخوردگی و عصبانیت از رودستی که روحانی به آنها زد، به واکنش پرداختند. جواد امام، مدیرعامل بنیاد باران، و از اصلاح‌طلبان دو آتشه در توییت

اسلامی به عنوان وزیر نیرو، این خواست را در حداقل‌ترین صورت ممکن پاسخ داد اما رحمانی فضلی را که سهمیه علی لاریجانی بود در کابینه نگه داشت.



در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲، اصلاح‌طلبان با اشاره هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی، برای حسن روحانی تبلیغ کردند

رئیس‌جمهور برای عده‌ای به ویژه لابی‌گران برخی از فراکسیون‌ها روز فرخنده‌ای بود، اما برای جریان اصلاحات و بدنه اجتماعی این جریان که همواره خواستار تغییر بر اساس منافع ملی هستند و خواهان ورود وزرای دغدغه‌مند، با تجربه و دلسوز به کابینه بودند، حکایت دیگری داشت.»

در ادامه مطلب روزنامه قانون آمده است: «عملکرد ضعیف فراکسیون امید و عدم تعامل آنها با سایر فراکسیون‌ها برای رای اعتماد به وزیر اصلاح‌طلب و عدم رای به وزرای که از مطالبات اصلاح‌طلبانه‌ی مردم فاصله دارند و همچنین افزایش رای اعتماد وزرای اصلاح‌طلب باعث

«اقتصاد و عدالت» به زمین «سیاست و آزادی» تغییر دهد. دولت حسن روحانی در حوزه اقتصاد کارنامه غیر قابل قبولی داشت و ناامیدی جامعه از برنامه‌های او مشهود بود.

با این شرایط تیم روحانی توانست مطالبات و شعارها را بر پایه آزادی، رفع حصر، تعمیق ارتباط با غرب، جلوگیری از جنگ، رفع باقی‌مانده تحریم‌ها و رقیب‌هراسی متمرکز کند. این تغییر زمین با تغییر آهنگ سخنان خود روحانی همراه بود. او پای خود را در زمین اپوزیسیون نیز گذاشت و چهار دهه کارنامه نظام را زیر سوال برد. کلام او پر از حمله به رقبای، بخش‌های مختلف نظام و در پرده آخر حتی حمله به رهبر جمهوری اسلامی بود.

البته این حملات و چرخش‌ها صرفاً در چارچوب غلبه بر حریف انتخاباتی و کسب آرای رای‌دهندگان بود اما اصلاح‌طلبان این حملات را بر تغییر نگاه روحانی و حرکت او از محافظه کاری به اصلاح‌طلبی درک کردند و در تبلیغات برای او سنگ تمام گذاشتند.

حسن روحانی بعد از اخذ آرای دور دوم ریاست جمهوری‌اش بیش از حوزه انتخابیه دماوند و یا اصرار برای عیادت از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در بیمارستان مسیر را برای بازگشت به قدرت هموار کند.

در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ اصلاح‌طلبان در نبود هاشمی رفسنجانی بار بزرگتری به دوش کشیدند. کارنامه ضعیف دولت حسن روحانی در کنار تبلیغات شکست خورده در مورد ثمره برجام و ایجاد دو قطبی سنگین بین اصولگراها و روحانی، همه و همه، موقعیت روحانی در انتخابات را به شدت تضعیف کرده بود. روحانی با تند و تیز کردن زبان خود و رفتن در پوست «اپوزیسیون» رژیم و اشاره‌های متعدد به موضوع حصر به کمک اصلاح‌طلبان و رسانه های قدرتمند آنها در داخل و خارج از ایران توانست موضوع را از زمین

● اصلاح‌طلبان با تبلیغ برای روحانی می‌خواستند با استفاده از او و اختیاراتش کم کم دوباره بر مسندهای دولتی بازگردند و برای بازگشت تمام‌عیار به قدرت زمینه‌سازی کنند.

● تعیین کابینه دوازدهم نشان داد اصلاح‌طلبان سهمی در دولت دوازدهم ندارند و در واقع حسن روحانی آنها را در قسمت جدی و حیاتی ماجرا بازی نداد و نادیده‌شان گرفت.

روشنک آسترکی - اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲، با اشاره هاشمی رفسنجانی و سپس محمد خاتمی به میدان مبارزات انتخاباتی آمده و برای حسن روحانی تبلیغ کردند. آنها حسن روحانی را در حکم «رحم اجاره‌ای» می‌دیدند و می‌خواستند با استفاده از حسن روحانی و اختیاراتی که به عنوان رئیس دولت در دست می‌گیرد کم کم دوباره بر مسندهای دولتی بازگردند و برای بازگشت تمام‌عیار به قدرت زمینه‌سازی کنند.

آنها با تبلیغات جدی و با سنگ تمامی که محمد خاتمی گذاشت سعی کرده بودند حسن روحانی را نمک‌گیر کنند. کابینه نخست حسن روحانی اگر چه رنگ و روی اصلاح‌طلبی نداشت اما اصلاح‌طلبان از آن حمایت کردند و ادعایشان این بود که با راه یافتن به مجلس شورای اسلامی و کسب حداکثر کرسی‌ها خواهند توانست ترکیب کابینه را دست کم در دولت دوم حسن روحانی به نفع خود دگرگون کنند. آنها برای انتخابات مجلس دهم که اسفند ۹۴ برگزار شد خیز برداشته و پس از رد صلاحیت‌هایی که شورای نگهبان به عمل آورد، لیستی با عنوان «لیست امید» ارائه دادند و مدعی شدند که لیست امید در مجلس شورای اسلامی اکثریت را دارد. اما در همان مقطع به نظر می‌رسید علی لاریجانی توانسته است با وارد کردن امثال کاظم جلالی در این لیست از اصلاح‌طلبان سواری بگیرد.

در دولت نخست حسن روحانی اصلاح‌طلبان سعی کردند با تکیه بر استراتژی سنگر به سنگر خود، حضور عبدالرضا رحمانی فضلی در وزارت کشور و یا مصطفی پورمحمدی در وزارت دادگستری را توجیه کنند. آنها حضور گام به گام را پیشروی در مسیر موفقیت خود می‌دانستند و امید داشتند بتوانند به داخل نظام برگردند. البته پیشتر از آن محمد خاتمی کوشیده بود با ترفندهایی مانند حضور در پای صندوق در انتخابات مجلس نهم در حوزه انتخابیه دماوند و یا اصرار برای عیادت از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در بیمارستان مسیر را برای بازگشت به قدرت هموار کند.

در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ اصلاح‌طلبان در نبود هاشمی رفسنجانی بار بزرگتری به دوش کشیدند. کارنامه ضعیف دولت حسن روحانی در کنار تبلیغات شکست خورده در مورد ثمره برجام و ایجاد دو قطبی سنگین بین اصولگراها و روحانی، همه و همه، موقعیت روحانی در انتخابات را به شدت تضعیف کرده بود. روحانی با تند و تیز کردن زبان خود و رفتن در پوست «اپوزیسیون» رژیم و اشاره‌های متعدد به موضوع حصر به کمک اصلاح‌طلبان و رسانه های قدرتمند آنها در داخل و خارج از ایران توانست موضوع را از زمین